

| | |
|----------------------------|-----------|
| Süleymaniye U. Kütüphanesi | |
| Kisim | Yasat ef. |
| Yeni Kayıt No | |
| Eski Kayıt No | 2706 |



77.7

صاحب مزوشان * و پدری خدمه دولت علیه دن قیو جی باشلیق پایه سنه
قدر و منزلتی رسیده و نیجه امور مهمه ده صدق و استقامتی نشیده *
اولش سید سلیمان اخانک موسم بهار خجسته آثار عمر نازیندن زمان
اعتدال سن و سالی که وقت لطافت شهر نیشان و قوف کما لیدر
مددرسی فیض نسیم عنایت بار یله

(* * *) بیت عرفی

* این جوهر ذات از شرف نسبت اباست *
* سوداست بابر این درا کر چه سریم را *

مآلنه ما صدق حکمت مانند قطره احسان ابر رحمتیم صاف مشرب
بنوتندن زیور افزای صدف مادر خلقت و بیک یوز الی اوج
تاریخنده در کرانتهای وجود صفا نمودی رونق ساز چار سوی
عالم بشریت اولدقده کویا بوقطعه دلارای جناب شوکت کندویه
سرنوشت بشارت اولشیدی

(* * *) قطعه

* فکر چشم تو مرا همدم و مونس باشد *
* شوخی خانه من ازنی نرکس باشد *

* بس که شوخی بسر هر مره ام جلوه کرست *
* حلقه دیده من حلقه مجلس باشد *

آب و تاب کل عرق عشق و محبت بیاله غنچه مزاج دهانندن چکان
وسوزش درد داغ سودای حقیقت رنگ روی کریمه و گفتارندن عیان
اولغین همان سودیرینه دایه حرم سرای عرفان

(* * *) بیت

* ینه کندی ایدر خاره دوا *
* درد صاحب علاج یعنی می *



(* * *) بسم الله الرحمن الرحیم

ع (کلامندن اولور معلوم کشینک کندی مقداری)

* دلم عرفاتی وابسته صوف ایله یارب *
* کمالم جبه و دستاره موقوف ایله یارب *

* چو طبل ساده دل بن استه م آوازه شهرت *
* بنی قیل عارف اسرار معروف ایله یارب *

(* * *) ترجمه احوال مومی الیه رحمة الله تعالی علیه

اشبو زیور کاتبه تعریف و بیان و سرنامه ذکر بالخیر دل و جان قلنان
مناجات بدرگاه احسان حضرت رب مستعانی ناظم اولان مرد میدان
معرفت و تکاسوار عرصه فطانت و بلاغت * ادیب و لیب اصیل و حسب
* خواجکان دیوان همایونندن سید محمد نسب افندی خداوند کار
اسبق جنتمکان فردوس آشیان * سلطان مصطفی خان * علیه الرحمة
والغفران حضرت تالینک ایام سلطنتلرنده شقه خضرای سیادت *
رقعه دیبای کیاست * ایله بین الاقران ایکی بیراقلی زاده دیمکله

دیه رک شراب رحیق کرمیت محبت و نوبنو نقل صفا فزای
 کلبشکر عقل و کعباست و یرو بجنوز عقد اللؤلؤ عداد سن و سالی
 رشته زرین تارده و هفتاده رونق بخشای انامل اقتراب اولمدین هرفندن
 تدارک دستمایه زور طبیعت و بکرمی یاشنه دک بر استاد افلا طون مزاج
 در سخنان حکمت و شعر و انشا و ادب لرنده ایسه فوق الغایه تیر زبان ایراد
 ورنکین بیان طور نو ایجاد او لمشیدی بو اثناده داعیه سیر و سیاحت و آفاق
 و انفسده تماشای آثار قدرت ضمنده حلب و البسی وزیر عنایت سیر بکر پاشا
 حضرت تلیرتک مهر دارلق خدمت جایله سیله روان و فن سلحشور یدیده دخی
 فارس میدان و اعمال آلات جنگ و حربده فائق الاقران و احوال عالمه خبلی
 تدارک ذوق و اتقان ایلدکده دلال قدر سرمایه کان عرفانه رواج داد
 قدر و اعتبار او به حق خلفاء کرام مکتوبی حضرت صداریتپناهی
 او طه سنه سوق و تعیین و قدر داناتان امتعه معارف التفاتیه آرزمانده
 اخوان کرامنی سابق و مشرب ظریفی وزیر بلاغت پسند زمان
 نشای محمد امین پاشای صاحب شهرت و شانک طبع دریانوال اعتبار
 و احسانه موافق کلکین جائزه التفات و استحباب مشیرانه لریله
 خرم و یرمدت دیوان کتابتلی خدمتده مستخدم و وزیر مشار الیه
 حضرت تلیری دخی فی الاصل مکتوبی بیلقدن قدر علم و کمالری
 اقتضاسی مسند والای ریاست کتاب معارف نصابله مکرم و اندن
 رتبه سامیه وزارتیه ارتقایاب سلم هم او لمغین افندی مومی الیه
 صورتده ولی نعمت و معناده تمام استاد بلاغت خصلت اولمشرایدی اما
 روز کار مکار طرفه روی شیوه رفتار اظهار ایدوب

(*) بیت حافظ (*)

☆ فلک اواره بهر سو کندم میدانی ☆
 ☆ رشک ایدش از صحبت جان پرور ما ☆

مؤداسی برحالت غریب غیر و واقعه ایله خدمت مشار الیه دن ظاهر دور
 و عالم حقیقتدن بر برینه علاقه بند حضور ایکن آصف مشار الیه مهر
 صدارتله بکام و اول اثناده وقوع بولان مسقو سفرینه خرام ایلدکده
 مومی البهی رکاب گاه یابده سر خلیفه حضرت قائم مقامی قیلوب بر قاج
 ماه مرورنده مکتوبی بلیاق و اندن کوجک تذکره جیلک و کالتیه عداد
 رجال دولت علیه دن معدود و خواص و عوام عدویت گفتار داپندیر
 و حسن تعبیر و تحریرندن خشنود و مزاجه اغیار نابود ایکن همان ذوق
 نشئه صهبای فنا دماغ از عاننه لذت داده فراغ و دل سوزان طبیعتی
 دودمان عشق و محبت نوجراغ اولمغین اثنای کلکشت سیرانده از قضا
 اسب راهوار تماشادن افتاده بچمن صفت ارام اولسنی وسیله حصول
 مرام و بهانده ترک کام و رضاسیله فدای کار بار احشام ایلدیکی دملرده
 بو غزل مناسب محلی عرض بزم یاران و سخندانان زمان دخی جوابلر
 کویان اولوب مشربنده ارزوی فراغ اولنلر تحسین و دماغنده بوی هوس
 دنیا اولنلر طعن نفرین ایتمشیدی

(*) غزل بی بدل مومی الیه اینست (*)

- ☆ بخت یار خود بسهم بختیار انداختیم ☆
- ☆ برک و بار جاه و دولت بر کبار انداختیم ☆
- ☆ لذت آب حیات از تشکی چون یافتیم ☆
- ☆ درک نار حرص مطلب در کار انداختیم ☆
- ☆ تخت ماسد کوشه میخانه و پیمانه تاج ☆
- ☆ تاجداری دور از ان سو تاجدار انداختیم ☆
- ☆ قرطه سنک ملام اهل ورغ دارد بکوش ☆
- ☆ کوشعار این گروه از کوش عاز انداختیم ☆

نقشبند کنج تجریدی بی کلك و مداد *

دستکار ماست این کزدست کار انداختیم *

عشق را رخصت بدل دادیم چند آشوب خاست *

کار زارست این که اندر کار زار انداختیم *

ما و بلبل این که نوشیدیم چون صهبای عشق *

درد خارته قدح برد در دخوار انداختیم *

مظهر دشنام لعنت چون شدیم از شکر آب *

قندهار را پیش آن در قندهار انداختیم *

نیست سودی چون درین بازار پرغوغانسبب *

در دیار دل متاع در دیار انداختیم *

نخمینایدی سکر سینه مقداری ذوق و صفای عالم آب و جوش خروش
عشق و محبت شاهد و شایب ایله بو کروه قلندر منشأ نده دخی
سر حلقه زندان و ماملک فدای شیوه خوبان اولدیغندن بشقه دستگاه
نچاره کورک آتمه وجبه و دستار صاتمه و خراباتده یاتمه و الحاصل صحبت
زندانی اوزاتمه شراب ناب حقیقته آب دروغ مجازی قائمه درلو درلور نک
ولون نچار و مستی و وضع هوشیار و شکستی کوروب بر کون

یلت * * *

عنایت هر کیمه بوز طوتسه عصیان حجاب اولمز *

کونش طوغد قدده زیرا پرده ظلمت نقاب اولمز *

مصد افججه قاصد بشارت قدم کندویی باب آصفی به دعوتله مبشر
و مکرم و خواه ناخواه اخوان کرام طریقدن استعاره اثواب راه ایله
طوغری بکلکچی وقت اولان سید محمد خیری افندی جناب لرینک مجلس
معارف صبحترینه محرم اولور مکر قدر دان مومی الیهک سوق و تعریفیه
چانب ایراندن کلش بر قطعه فارسی العبارة نامه ترجمه اولنه جق ایمش
حضور آصف زمانه جین سالی عبودیت اولد قلرنده حدندن زیاده اعزاز

و خصوص مر قومی احاله چاپکدستی سخنسازی بیورد قلرینه بناء
در عقب هم ترجمه سینه مباشرت وهم تعبیرات جهان پسند ایله جواب
با صوابنه صرف دراری بلاغت قلمغین بو خدمت مقابلی برجسیم ماده
ایله قدس شریف طرفنه مأمور و بو تقریب مظهر عنایت رب غفور
اولدی مباشرت مر قومه دن اوتوز قرق کبسه افجه منفعت دنیوی
حاصل و معنوی اول اراضی مقدسه دن نیجه جواهر انفاس مبارکه
مر ادا نه نائل اولد قد نصکره کلوب بعضی مناصب دیوانیه ایله بکام و دأره
سامانی فهما ممکن قرین انتظام یولمشیدی یازرده قندیلالی ساحلنده
واقع کندی ساحلخانه سنده ذوق و صفاد منده و قبش لرده استانبولده
و جوار قصبات دلاراده هر سینه بر کاشانه سرور عالمنده ایدی اکثر
اوقات مطانعه آثار اسلاف و قوت حافظه سی مقتضای سنجه احاطه
اطراف ایدوب مجلسنده مباحثه علم و هنر و حل مشکل و هر فنده بد طولای
اذعانی و ار حرد کامل ایدی بتقدیر الله تعالی بیک ایکوز ایکی
سنه سی خلاننده نمچه و مسقو سفر لرینه حرکت اردوی همایون
اولد قدده پیاده مقابله جیلکی اصالتدن رکاب کامیابده شق اول
مکتوب جیلخی و مالیه تذکره جیلکی و کالتیه مسرور و ایرته سی
تو جیها ته د کین ر قظر! ز امور ایکن علت مزاج عناصر مانع فکر
امور ظاهر اولوب منصب کار دنیاد ن معزول و قبل عنایت پیراندن
امید وار حسن قبول اولدیغی هنکامده

یلت صائب * * *

خنیمست که کار آکهان عالم غیب *

بحال خویش چو صائب نهشته اندمرا *

مبشره سیله ناز نینان کلستان بقادن بوی عنایت وزان و دعوت ارجعی
رسیده مشام حقیقی اولد قدده

(بیت) * باقرمه یارب سواد دفتریمه * * انی یاق آتسه بنم یریمه
دیو تویه واستغفار کویان وهر کار و بار و بار و اغیار دن دم کشیده این
و آن و تائب و طاهر حاضر بزم احسان اولدیغی اثناده نقش سنک مزار
غفران اتاری اولان اشبو فردا الهام بیانی دخی یاد کار جیب لباس مستعار
عالم ابدان ایتشیدی

(*) (بیت) (*)

دکل سنک مزارم وزن ایچون جرم فراوانم
کتوردم ایکی دستله حضوره سنک میرانم
مرض استسقادن اجل موعود یله بیک ایکیوز درت سنه سنده روح روانی
عازم کاشن سرای جنان و وجود نازینی روم ایلی حصارنده شهیدنر حظیره
سنده نهان لحد غفران اولمشدر رجه الله تعالی علیه مومی الیه فرط ذهن
وزکاء و عدوبت تعیرات دلکشایه مالک و دائم راه فقر و فنیاه سالک اولوب

(*) (بیت حافظ) (*)

غلام همت آنکه درین چرخ کبود
'زه رجه رنگ تعلق پذیرد آزادست
مؤداسنجه ذوق وقت دل و جانندن غیری فکر دیگردن ایننه حقیقت
نمای ضمیر منبری ساده وکل کبی کشاده و بلبل کبی مجالس کبار و صفاره
ترنمات لطائف فقرات ایله رونق داده ایدی یاد کار زر صحائف فوآد
ارباب محبت اولمش حکایات غریبه و لطائف عجیبه سی واردر

(*) (بیت صائب) (*)

هر از صافی مشرب ز خود دانند هر قومی
که هر ظرفی برنگ خود برآرد آب روشن را
و فقجه اقتضای مجلسه کوره صحبت و بای و کدا و بیکانه و آشنا ایله
خوش الفت ایدوب سبحان الله بو قدر حاضر جواب و آتش زبان

نکته خطاب ایکن بر صورت شیرین و تعبیرد لئشین ایله جد
ومزاحده افاده کلام بیورر لرایدی که صحبتندن مجلسده کسنه
دلگیر و نکته و مضامینندن تکدیر او لمامق کک

(*) (مترجه) (*)

* صحبت شیریننده سه کر آب حیات *
* نلخ گفتارنده وارد لذت فندبات *
کالندن بحث اولنسه حوصله تعبیر و تحریردن افزون هر علم
وهزده ذوقتون ایدی

(*) (مصراع) (*)

* ازهرجه قلم شرح دهد افزونست *

برمنوال محرر هر حومک جمعیت ثروت و سامان قیدی او لمادیغی
کبی حفظ دفتر آثار فکری دخی اولمافله گوشه دستار عدم اهتمامندن
دوشمش و بعضی اخوان صفا مجموعه لرنده بولنمش اشبو دیوانچه
اشعار و لطائف شعاری ابقای نام نجابت مآب و یاد کار مجالس احباب
اولسون دیوعاشقان صحبت خاص و محبان خلوص اختصاصندن بر ذاتک
همت جمع و ترتیبیله شیرازه بند تحسین و آوردن انظار افسرین اولدی
العارف بکفیه الاشارة

(*) (رباعی) (*)

* غرض از صحبت یاران صفا دیدار است *
* این کوهر در صدف به جانان یاد کار است *
* کراز گفتار دیوانچه قصور من مستور است *
* راضی شود به حضرت بزدان و خداوند کار نو است *

* آه دل مشعلکش راه هدایتدربکا *

* داغ سینه روزن کلزار وصلتدربکا *

* نقد استحقاق یکمزشور احسانده *

* عجز دل سر مایه سوق عنایتدربکا *

* نشئه کامی بولورداناشراب یأسدن *

* مجلسک جام نکونی تاج دولتدربکا *

* بن که طرتدم عینک جام محبت چشمه *

* هر کینه ذره بر شمس حقیقتدربکا *

* شهر وصله یول ویرانز چونکه جسم سالمه *

* داغدار اولق بولوا دیده سلا متدربکا *

* شاه فقرم شو کتدر خاردا مان طلب *

* کوهر تاج شرف سنک ملا متدربکا *

* دسترسدر در عکس مهره بدمه موج اضطراب *

* حیرتم آینه انوار رویتدربکا *

* بن نسب دودمان عشقم ای بلبل خوش *

* قیس ایله فرهادملکمه رعیتدربکا *

وله (*)

ویرمز آچلسه ده کل مهر شتا سکا * وقت بهار باغه ویرندرضیا صبا

اب جددن اقرب اولدیغی اطفاله آشکار * بدرهله رعایت حقه انا انا

نوجامه مردخامه ویرانشریح صدر * تجرید کار و جدته بسدر فنا قبا

ایجاب ایدر خیانت طینت خیانتی * هم سنکدرو بالده باقساک ریار با

کورسرو وضعی قالب تصفیغه نسیب * اولدی هله چبع زمانده غناعنا

وله (*) غزل فارسی (*)

ای وسمه دو ابروی تو دود آه ما * مرآت شمع حسن تو بخت سیاه ما

ما ره روان کعبه فضل و عنایتیم * از روزه شکسته بود زاد راه ما

چون مهر عفوسر زندان مطلع کرم * کرد د سواد قدر سواد گاه ما



* بسم الله الرحمن الرحیم *

* ماه نومطلع نظم کریم *

حرف الالف (*)

* ابتدا ایتدم الفدن و صف قدکله شهها *

* نظمه باقشیرک او صافی اولسون منتها *

* سنده کی حسن و بهایوق مهده ای یوسف جمال *

* بی بهانه خوبسن الحق سکا اولمز بهها *

* اولدی بر دروازه هر بر حلقه زنجیر عشق *

* بولغه قید غم دور اندن سمت رها *

* یار حاضر باده در کف امر ایدر نوش ایت دیو *

* نهی غائب ایتسون بیهوده ارباب نهها *

* شاهد استر مدعیدن سینه ده قاضی عشق *

* یو خسه طومر بی عمل اقوالی معمول بهها *

* اولدی جاری چون خم تحقیقندن بونظم پاک *

* نشئه سی لایق نسبیاجانه اولسه مشتها *

درید چرخ را و کسی صبت آن نیافت * شدموی این زجاج نکون مد آه ما
وصلت دلدار را نسبتا ارزو شود * غم نه دارد آخر کسی همه آن راه ما

(حرف الباء)

| | |
|-------------------------------|---------------------------------|
| مرآت دلی ژنک نمون ایله یارب | روی امل پرده برون ایله یارب |
| آراسته قیل قصر مرادم گرمکدن | دود دلی جرعه ستون ایله یارب |
| ایله دل برنشئه می فقر و فسادن | سرده کلاهم جام نکون ایله یارب |
| مرگائی قیل شانه کبسوی حقیقت | بر زلفه بی زار و زبون ایله یارب |
| چون ایلدک احسان نسبه دل آگاه | غفلتله اتی تیره درون ایله یارب |

(واہ)

* می اقبال چرخک مطلب شاه کدادرهه *
* بوینی کاسه پر زهره سکر نمادرهه *
* یم عشقه شکسته فلك جانک صال هر اس ایته *
* او بحر بی کنارک هر جابی ناخدا درهه *
* بهای کاله وصل دلارا جوهر جاندر *
* نقود اشک عاشق سوق غمده نار وادرهه *
* نه عالم کورلدی کلشن بزمنده ای ساقی *
* او باغک کلری آینه عالمادرهه *
* نسبتیا شکره پرداز اولد کیم بوتشنه غمده *
* نمود تعیین روزو شب نقشی جفادرهه *

(حرف التاء)

* این دل اواره هم سنک است و هم دیوانه است *
* چشم خون آلود هم سیل است و هم ویرانه است *
* چند دل میگردد و صد فتنه دارد در بغل *
* چشم مخمور تو هم جاه است و هم میخانه است *

* ساغر عشرت تکبیر دهر د عشق از دست غیر *
* کردش پروانه هم مست است و هم پیمانه است *
* دیده را کن عینک عبرت بچشم کوش دار *
نقش این کاشانه هم خوابست و هم افسانه است
* زیر ما از جاده هافرش اقامت ساختند *
* بهر ما این خانه هم راهست و هم کاشانه است *
* عشق عاشق را به بز می میکشد آخر که دل *
* هم می است انجام و هم ساقی و هم پیمانه است *
* بهر غواصان معنی تحفه بردم نسبت *
* کز خطش هر نقطه هم بحر است و هم دردانه است *

(حرف الدال)

* از تغافل تا قبا ی حسن آن کل یافتند *
* خرقة ام از موج خون چشم بلبل یافتند *
* محرمان عشق کی از نوش صهبا پاکشند *
* فرش این مجلس ز خط ساغر مل یافتند *
* ما که در خواهیم برخواییده پایان سایقیم *
* بالمش مارا زموی زلف دلدل یافتند *
* چون ازل پروانه را خلعت ز آتش دوختند *
* از خس و خاچن دستار بلبل یافتند *
* جزر و مد و اشک تار و بود کردند نسبت *
* عاشقا ترا جامه صبر و تحمل یافتند *

(حرف الزاء)

* برالنده باده ممزوج برالده انار *
* ساقی مجلس بزه کور آب ایله آتش صونار *

- * بزم میده تابش اعلک کوروب صدشمرله *
- * جام صهبایا شعله جواله وش جزمش کار *
- * حشره دک یانسه درونی سوز حسرتله نوله *
- * چون حریم گلشنه دستن ادراز ایش چنار *
- * ماه صانمه قصد کوی یار ایله پیر سپهر *
- * نیم شب چیقمش شتاب ایله یوله الده فتار *
- * آب نیدسان یوق مکر کیم دیده عشاقده *
- * ملاکت عشقک شهوری جله کانون وینار *
- * ایلدم آه ندامت دودینی دلدن بلند *
- * بن اودیبری مسجد ایتم یابدم انده برمنار *
- * سو منات کشور عشق اولشم کویانسهب *
- * خانه دله سو بنز متصل آتش ینار *

(* * *) وله

- * کان ابروانی مهو شان شهره قورسونلر *
- * روادرتیر نازی سینه عشاقه اورسونلر *
- * بوشب اقلیم غم تاراجنه عزم وارای ساقی *
- * دیزلسون خیل مژگانک کیت جامی کورسونلر *
- * کوکل اسیر جالی یاره کندی نابید اولدی *
- * ارانسون موزلف وفندن دخی صورصونلر *
- * ایدرمش قد و خد دایره هر بریسی تقلید *
- * صبا سرو یله شمع سو یله طورسونلر اوتورسونلر *
- * بو کون زندگی امیر مجلس ایشلردیمش اولدم *
- * کنار بزم میده طورسون صهبایی سورسونلر *
- * مفر شاه عشق اولق کورندی قلب ویرانه *
- * دو چشمه مزم برخو شجه سلسونلر سبورسونلر *

- * ندن جمعیت رندانه کلک آرزو ایش *
- * جوابی دیک جناب زاهده ساقی بیورسونلر *
- * نسیب انکار ایدنلر قدر یکی کون کی ظاهر کن *
- * کوروب اعجاز نظم پاککی ایمان کتورسونلر *

(* * *) وله

- * دولت اکلسه عاشقه دیدار یاری کوستر *
- * جاه بلند دینلسه قد یاری کوستر *
- * حیرتده در کوکل که صفا قنغیننده در *
- * زهاد شهری قبس ایسه کهساری کوستر *
- * کفتار خامه وقت روشده اولور عیان *
- * حرف مدعی رفتار یاری کوستر *
- * اولدم اورتبه نشئه وحدتله سرمست *
- * اغیاری کوسترنده بکایاری کوستر *
- * سوز یوق نسیب همت بالای عاشقه *
- * سرو بلند دینلسه قد یاری کوستر *

(* * *) وله

- * وصلت خوبان ایسه مقصودکای دل واری ویر *
- * هم دخی بلواری ویر آندن وصاله واری ویر *
- * شدندن هیزم استرسه حجیم هجر اگر *
- * یاری ویرمه دسته سیله زمره اغیاری ویر *
- * باغبان دهر ایله عدل اوزره قیل داد وستاد *
- * شبمنی طوت اوسته لک وردتری آل خاری ویر *
- * سحر بازان سخن ایلر و رای قافی جای *
- * دستمه برکز عصای کلک معجز کاری ویر *

* حضرت کانی به برنو تحفه اهدا قبل نسب *

* یعنی بزم فضلنه وار بو نوین آثاری ویر *

(*) واه (*)

* اشعار و وصل دلبره بزاده عاردر *

* کالای عار بعضی به جسامان شعاردرد *

* المش رقیب یاننه چیغمش فضایه یار *

* مقصودی صید دل ایدیکی آشکاردر *

* مشق ایله سیم ساعد آچوب دلر آلمغه *

* زیرا که اله معرفت التون سواردر *

* میزان عدلی دیده انصاف ایدراو کیم *

* فرق میان نیک و بد کوز قراردر *

* هر صبح درس عشق اوقیوب قارشور وینه *

* شرم ایله بکر غمچه بی بلبل قراردر *

* بر بلرز بهشت وصالک و راستی *

* آتش کی یقان بزی بوس کناردر *

* کل خنده سرورده ترکس قریرعین *

* کلزارده هزاره دوشن خارخاردرد *

* ای نسب ایتمه حذر بوروشدن *

* کالای عار بعضی به جسامان شعاردرد *

(*) واه (*)

* آهیز شاهد تأثیری دراغوش ایلر *

* ناله مزهره اخنیا کوری خاموش ایلر *

* دستنه رشته ویرر غمزه نکه تیغ صونر *

* چشم مستک که می نازی فن نوش ایلر *

* ساقیا صون بزه اول جام جم دشمنی کیم *

* کترین قطره سی عیاشده بیهوش ایلر *

* ادب آوزد بستان محبت دائم *

* سوزایله حرف عنای فراموش ایلر *

* شاهد قبضه ننه ماشطه طبع نسب *

* کوهر نطقمیری زیب بنا کوش ایلر *

(*) حرف الزای (*)

* صنایوردی بر زمان روینده خط مشکیو چیغمز *

* نیچون شمندی بزمه اول پری وش روبرو چیغمز *

* مگر چشم ضمیری بر سواد حواب غفله در *

* دهانندن انک کم هر نفسده ذک رهو چیغمز *

* ایدرمی مرده دانا رغبت اول کوهر لری جمعه *

* که مجموعندن اهل ترکه بر آب صو چیغمز *

* جبین ناسده حرف لثامت او یله ثابتدر *

* که صد سال ایلسک اجرای جوی آبرو چیغمز *

* دل آزاری ایدوب صکره فلکدن نشئه استرس *

* دلائخیم مغیلان اکدی بک بردن کدو چیغمز *

* نسبیا چیغمده ناکلودن طائر روحی *

* نه حکمت در درون خلقدن قید کلو چیغمز *

(*) واه (*)

* دل آزادگان نقش شکست غم قبول ایتمز *

* قبول ایلر سده تعمیر جام جم قبول ایتمز *

* نفس تأثیر ایتمز سینه بی رحم جانانه *

* او بر آینه عالم نماد ردم قبول ایتمز *

* لبالبدر مثال جام و صهبا عکس لعلکله *

* حریم خلوت دل شخص نامحرم قبول ایتمز *

* کرم وارسته تردد در قید استحقاق مکرم مدن *

* ترازوی دودست استخیا در هم قبول ایتمز *

* نسبیا نور عینم عارفه تطیب ایدر کیدر *

* دل مجروح عارف بردخی مرهم قبول ایتمز *

* (*) وه (*)

* اوقات عمری وقف خرابات ایدنلرز *

* درگاه جده جائز اثبات ایدنلرز *

* قید علاج زخم نمایانه دوشمزر *

* دردنهان قلبه مداوات ایدنلرز *

* اعدایه انتقامی قویمزرز آنی *

* وابسته زمان مکافات ایدنلرز *

* ورد زبان حالزی صرف عجز ایدوب *

* چوق مدعی تندی بزاسکات ایدنلرز *

* گفتاراهل دانشه در اعتراض *

* خود رأی خود پسندده مماشات ایدنلرز *

* یوقهی نسبت یوخسه بزم هفت بیتمز *

* چرخ ایله ادعای مساوات ایدنلرز *

* (*) حرف الغین (*)

* مردمک قالدی اونجخالده ماننده داغ *

* خالی آسادل پرنالده ماننده داغ *

* رشک داغ تن کل پیرهنی کوسترمش *

* کافی مهده مهی هاله ده ماننده داغ *

* باغده عکس رخنی دوشسه جباب ایجره اولور *

* رك كلیرك نه ژاله ماننده داغ *

* شوق و برد کجه دله ساغر لعلی کورینور *

* هر حساب آتش سیاله ده ماننده داغ *

* موج اوران رنگ اثر برق تجلید رهب *

* گلده ماننده شرر لاله ده ماننده داغ *

* هنر ظفله و برسیلی استاد رواج *

* اثر دستی اولور کاله ده ماننده داغ *

* نشئه نظیم ایدر لرزش غیرتله نسیم *

* موجی صهبای کهن ساله ده ماننده داغ *

* (*) حرف القاف (*)

* دکل همان یوز بیکه جان ناتوان عاشق *

* سکافلکده ملک یرده انس و جان عاشق *

* نه کلشنک کلپسن قنغی برجک اختر یسین *

* نه مهر سن سکایک جانله جهان عاشق *

* پرایندی ولوله تاب حسنک آفاتی *

* زمین جالکجه حیران و آسمان عاشق *

* چنده هیجه صاتلدی متاعی غنچه لرك *

* اولادن ای ککل ترسکا بلبلان عاشق *

* شور تبدا یلدی عشقک وجودمه سریان *

* نمده اولدی بکم هر براستخوان عاشق *

* صباوار رایسک اول نخل عشوه به سویله *

* سکا سلاملرایلر جهان جهان عاشق *

* نسیم زاری صوچن عفوایدوب قبول ایله *

* بولنمز ای ککل تر بو یله هر زمان عاشق *

(*) () و له (*)

- * خاك خك ايمس بنى شيدا خبرم يوق *
- * ياقش جكرم آتش سودا خبرم يوق *
- * بيمار اولهلى ارز وى لعل ليكله *
- * كلسه سر سحر بالينه عيسى خبرم يوق *
- * مستانه دوچار اولشم اول شوخه سرايا *
- * عرض ايتشم احوالى اما خبرم يوق *
- * چاق جانمه كجدى الم تير تغافل *
- * كجمش بنى سلطانه اعدا خبرم يوق *
- * سر دهن يارى سؤال ايله بندين *
- * والله وبالله نسبيا خبرم يوق *

(*) () حرف الكاف (*)

- * بن اولدم يالكر آه دلفكارى تيرمژ كانك *
- * جهانى هب هلاك ايلرا و چشم نامسلانك *
- * كوروب ملامت شخصى عاصم الله ايلر *
- * صدای چاكن دكله دامن كرىبانك *
- * روميدرا اولام زهر نوش جورك بن *
- * عدولرى ايده مست جام احسانك *
- * وفا و رحمت و شفقت ايسه اجراسى *
- * دواسى مشكل ايمش مبتلاى هجرانك *
- * قالور كيدرمى عجب دوزخ تغافل كده *
- * بلنسه جرم و گاهى ندر نسبيانك *

(*) () حرف اللام (*)

- * اشك اولوب پر منزل جانانه كم چشمدر اول *
- * اولدى طوفان زارا و ميناخانه كم چشمدر اول *
- * بولدم بن نشئه تاثير بزم كرىده *
- * خا كهر يزان اولسون اول پيمانه كم چشمدر اول *
- * كورمد كسد قيل تماشا سيل اشكى موجه *
- * يولده زنجير بن سوررد يوانه كم چشمدر اول *
- * قنده جاي اتسون خيالك قلب مشتاسى خراب *
- * آب طومنز خود اوسا حلقخانه كم چشمدر اول *

(*) () حرف الميم (*)

- * چوداغ اقرار عشقش راز بان خامشى دارم *
- * چود و راطهار هجرش رايسان خامشى دارم *
- * بحرف بنى صدا تقير بزم جم كم بشنو *
- * درين جا چون اب مينادهان خامشى دارم *
- * نمايان است سطر خال صد فغفور در لوح *
- * مثال خاك چينى داستان خامشى دارم *
- * بالوان سخن هاى كنىم آلوده دندانرا *
- * كه من اندر دهن نانى چونان خامشى دارم *
- * بان افغانها ببلبل زكل ديدم كه دور افتاد *
- * نسبيان درين كلشن فغان خامشى دارم *

(*) () و له (*)

- * نيجه به دك جور و جفا بنده كه شاهم *
- * سلطانى سومكهمى اوله جرم كناهم *

* سر رشته نظاره سنك حسنكه مر بوط *
 * عيب ايله رخسار كه بي پايان نگاهم *
 * كويكده يوزم خاكره ايتك بكا يكدر *
 * خورشیده قماش اولسه دخی فرق كلاهم *
 * سن ماهه قرین ایتدی لر عاقبت الام *
 * بوطالع وار ونله بو بخت سیاهم *
 * بیچاره نسبیایه نیچون سو یلزا اولدك *
 * انصاف بو قیدرسو یله ای رخلری ماهم *

(*) حرف النون (*)

سر مست می عشق ز پیمانه به عشق اولسون
 حیران چه از بزجانانه به عشق اولسون
 عاقل بکنن وارسون عقلیه یو آن بو لسون
 بز پیرو مجنون ز دیوانه به عشق اولسون
 بی رنگ محبتله یازدم دله چوق صورت
 هیچ صورتی ناپیدایتخانه به عشق اولسون
 بلبل کل رعنائك فاش ایلدی اسرارین
 میدان محبتده پروانه به عشق اولسون
 ویرانه صنوب کیردم دل عالمنه کزدم
 صد کنج ابله مالامال ویرانه به عشق اولسون

مست ایتدی نسبیایی بو مصرعی بر مردك
 هر سازه قولق طوتدم الا نید عشق اولسون

(*) حرف الهاء (*)

* بر کوکل سودای زلفکله پریشان اولسون *
 * کیمسه نك صبح امیددی لیل هجران اولسون *

* آسمان دشمن زمین دشمن اولور البت اکا *
 * خوابگاهی کیمسه نك شام غریبان اولسون *
 * کزلی بر یول وار جکردن کوهساری عشقه دك *
 * قور قمر راه خدا اول راه پنهان اولسون *
 * سینه صافن طو توب تیغ نگاه باره نك *
 * خاطر کدن یار سنك بر دم نهان اولسون *
 * اعتماد ایلر نه دبر لر سهه نسبیك حقنه *
 * اول پری بر کز دیمز آیا که بهتان اولسون *

(*) حرف الهمزة (*)

* دست دشمن کلشن حسنکده کلچین اولسون *
 * خاره رخسار باغبانه تازه آیین اولسون *
 * رشکدن رخس فلك خورشید رخک انوار ایدر *
 * آفتابم جلوه کاهک خانه زرین اولسون *
 * عکس حسنکدن بله دلگیر اولور آینه ده *
 * کیمسه یارب مبتلای شوخ خود بین اولسون *
 * عرض حال ایتمه نسبی اول بی شفقت دشمنه *
 * باز آک موجه خیر نیجه کین اولسون *

(*) حرف الهمزة (*)

* اغز آچدر مرز اول مه غنچه به شیرین دهنلکده *
 * هله ویرمز وجود آینه به سمین بدنلکده *
 * ایدر پیوسته عرش برینه افغانمز دائم *
 * سپهری کجدی قوت اول ملک روداشکنلکده *
 * او حیرت کیم عیاندر کزدننده بوسه دن یارک *
 * همان برورد رعنا در آچلمش با سنلکده *

- ☆ عجبدر صورت آرایش باغ جهان کورکیم ☆
- ☆ هزار اندوخته کل غنچه اطفالیه شلکده ☆
- ☆ نسبیبا آب و خاک جسمی باد آهه و پردم هب ☆
- ☆ کوکلدن ماعداتم قالدی صاعلقده اسنلکده ☆

(*) (*) وله (*) (*)

- ☆ هجر وصلکاه کنور مکدن خیالک یادمه ☆
- ☆ کلدی هر و جهله عالمده خلل معناده ☆
- ☆ هجرک ای مه رویی شوبله پریشان ابتدیکم ☆
- ☆ نقض کل ایردی استعداد مادر زادمه ☆
- ☆ سنده یوق انصاف و شفقت یوخسه ای نامهربان ☆
- ☆ کافر اولسه مرحمت ایلر بنم فریادمه ☆
- ☆ حرف عفت اولمشیکن نقش مهر شهرتم ☆
- ☆ قاردر چالدرک ای شوخ دلارا آدمه ☆
- ☆ سینه پرداغمه باقدقجه غیری شی دیم ☆
- ☆ لعنت اولسون سمت عشقه سوق ایدن استادمه ☆
- ☆ دلدله برتب وارنسیبا ایتسه لر تقسیم اکر ☆
- ☆ حشره دک ایلر وفا اولادمه احفادمه ☆

(*) (*) وله (*) (*)

- ☆ علیل کنج هجرم تاب صحت قنده بن قنده ☆
- ☆ دواء دشمن طیب بی مروت قنده بن قنده ☆
- ☆ اسیر اولدی دل یأس الفم برنا مسلمانه ☆
- ☆ او کافر کشدن امید شفقت قنده بن قنده ☆
- ☆ سر رده نگاه آشناییدر غرض یوخسه ☆
- ☆ او آهو چشمه له همواره قنده بن قنده ☆

- ☆ نجار آلود حسرت بی دماغ زهر حردم ☆
- ☆ تمنای صفای حظ وصلت قنده بن قنده ☆
- ☆ نسبیبا ضعف همچوان ایله هجرن برك گاه اولدق ☆
- ☆ تجلای جمال یاره طاقت قنده بن قنده ☆

(*) (*) وله (*) (*)

- ☆ بتر کن عاشقه زانگک بلا اول قد بالانه ☆
- ☆ ایدر کن دللری سوزان رخک اول خال زبانه ☆
- ☆ لبی نوش روان زنجیر عدل اول زلفیدر دینش ☆
- ☆ دل مجنون آلوب حالت بو سوزدن دوشدی دیوانه ☆
- ☆ نسبیبا بویله عرض آه و اظهار شکایتدن ☆
- ☆ غرض برانتساب ایتکدر اول سلطان خوبانه ☆

(*) (*) حرف الیاء (*) (*)

- ☆ ویروب هوایه وجودک غبار راه کبی ☆
- ☆ علوه میل ایدوب برباد اولمه آه کبی ☆
- ☆ دوامکی کوره مز پر تودو هفته سنک ☆
- ☆ بو کار خانه محتده کیمسه ماه کبی ☆
- ☆ عطای عالم بالابه کف کشاده اولان ☆
- ☆ مکار مندن اولور بهره ور کبانه کبی ☆
- ☆ لطافت خط و حسننده قالدی چشم امید ☆
- ☆ کار نسخه ده اعجام اشباه کبی ☆
- ☆ بو کون کدای خرابات عشقه رشک ایتدم ☆
- ☆ اوتور مش الده قدح پای خنده شاه کبی ☆

* نسبتا قالمزیدی هیچ بر کوکل غافل *

* بیلبیدی اولمدیغن ذوق انتباه کی *

* (****) وله (****)

* کتوروب چوشهینه دیده کوهرباری *

* ایده یم رشک عدن خاک ره دلداری *

* عطسه ریزابله مشام دل عشاقی ینه *

* قبل پریشان کوره کاکل مشکین تاری *

* بنی محروم می بزم وصال ایلدک آه *

* سنک ای بخت سیاه قانکی ایجسم باری *

* دل هلاک اولسه ینه وصف دهانک ایله *

* یوق یره بکاستم ایلمه عمرم واری *

* اولسه بی زبور اگر شاهد نظم نسب *

* جامه حسن ارادت ینه اولمز عاری *

* (****) وله (****)

* فرقت جاناندر عالمده غم دیدکاری *

* وصلت اغیار در حزن والم دیدکاری *

* اصطلاح عشق اوزره سا که تعریف ایده یم *

* اول یری رویک دهانی دم عدم دیدکاری *

* جام صهبایی لب لعنندن آیرمز مدام *

* واریسه بو در صفای ده یم دیدکاری *

* معرفت نقدینه سین یره وده صرف ایتمه همان *

* آفریندر شمعی کالای کرم دیدکاری *

* هفت دریا اشکمه نسبتله شراب اولمز *

* شمعی عالمده سرشکم در نسب یم دیدکاری *

* (****) قصاد و توارنج (****)

* (****) ستایش شیخ الاسلام شریف افندی (****)

* ای ولی النعم ای فاتحه مصحف جود *

* ای وفی الهم ای مظهر اسرار وجود *

* مفتی دین مبین شیخ شیوخ الاسلام *

* حجة الحق علی الخاق مؤید مجدد *

* حق تعالی سنی آفاقه ضیا کوندردی *

* شمس ذاتک کونی ظلمت کی اولسون مدود *

* قلدی مستغرق انواع عنایت قولکی *

* جود بی منتک ای مطلع انوار شهود *

* حشره دک طبعه اولان اطفارک باقیدر *

* خیر در ناصیه خیل ره کویا معقود *

* ایتدی روز نامه ثانی ایله از جمله *

* بوضعی کرمک نائل جل مقصود *

* کم کور شمعی کاتب دیو شبد بزقلم *

* رخس همت سور ایافارس مضمار سعود *

* نوله ایتد مسه در لطفکه تقدیم نیاز *

* لوم بو قدر اولیحق عرض کریمه مقصود *

* ضیق حال وقدم و خدمت دولته بنی *

* امتحان ایده امثال می بود و نبود *

* قائم مسند تمیزه نشست ایتسه عدو *

* راضیم جمله شهود اولسه او مجلسده حسود *

* ایکی دستک طوتوب امداد ننگاه لطف ایت *

* ایکی عالمه سکا بار اوله خلاق و دود *

* نوله ایجاز سخن قیاسه نسبیا بندهک *

* حق یلمور گوشه وحدتده دعانا معدود *

(* * *) تاریخ برای ایفای تحیه برنج اطیفه (* * *)

* احبای ملک کردار دن بر ذات والاشان *

* ایدوب تسریح لویه و یردی زینت طرح رخساره *

* رسول اکرمک ایتدی اگر چه سنتن اجرا *

* ولکن اولدی مرآت دل عشاق صدپاره *

* دکل خط احتراز دیده بدبین اعدا دن *

* حائلدر او حسن عالم ارای پرانواره *

* دکل خط آیت تحریم صهبادر اولوب نازل *

* حرام ایتدی شراب لعل نابن عاشق زاره *

* فراغ و یأسه دو شمز بلبلان کلشن حسنی *

* کریبان کل رخساری بجد کده بدخاره *

* ایدوب احداث فتنه کیرسه خط هر چند مایینه *

* ضرر و یرمز خلوص وصل جوان دلفکاره *

* براز مدت دخی ایتزدی کرچه اقتضالکن *

* نه چاره حق همان ایتسون مبارک اول ستمکاره *

* او قنسون خط جانان کی رغبت بره تاریخی *

۱۱۷۶ * (یازلدی سوره والشمس لوح حسن دلداره) *

(* * *) تاریخ ولادت شهزاده سلطان محمد بن سلطان مصطفی خان

علیه الرحمة والغفران (* * *)

* شاه دارا جاه سلطان مصطفی خان کیم خدا *

* سایه عدلنده هب آسوده قیلش عالمی *

* پادشاه جم حشم شاهنشاه فر خنده دم *

* ایلش حق ذاتی عثمانی کاک اکر می *

* مظهر توفیقدر چون کیم اوشه بیت ملوک *

* کون بکون پر شوق ایدر احراز طبع خرمی *

* قیلدی کلزار حریمنده بنه بر کل ظهور *

* کل ولی سلطان محمد اولدی نام افخمی *

* عزت و اقبال و عمر و دولتی افزون اولوب *

* حافظ اولسون ذاتی مولانک اسم اعظمی *

* مطلع دلدن نسبیاطوغدی بر تاریخ خوب *

۱۱۸۰ * (مقدم سلطان محمد قیلدی پر نور عالمی) *

(* * *) تاریخ جلوس سلطان عبدالحمید خان ابن السلطان احمد خان

علیه الرحمة والغفران (* * *)

* صد حد که و یردی مقدمیه *

* اقبال ایله قیلدی تختی تشریف *

* دادار جهان خدیو دوران *

* بی شبهه بو شاه بی عدیه *

* اورنک خلافت اوزره ذاتی *

* دیدار منور بن کورن دیر *

* شاهان سلف کوریدی مجدین *

* بر شاه که تخکاهی دلار *

* صدق ایله دعاسنه مداوم *

- * احسانی صراط جنت *
 - * شمشیری بحیم قهره شهر اه *
 - * چوق ایش هله قور ترسه پوستی *
 - * شمدنکر و کر عدوی روباه *
 - * بس قافیه ییب دشمنانه *
 - * من بعد جهانده آه ایله واه *
 - * توفیق رفیق وسعد خادم *
 - * تختنده مؤید اوله اول شاه *
 - * صدقح و سرور ایله بیایی *
 - * مسرور ایده قلب پاکن الله *
 - * بالطف خدا زمانی تمتد *
 - * حق اوزره خلیفه معد لخواه *
 - * بسیار بو حالتده دلائل *
 - * از جمله نظر قبل ای دل آگاه *
 - * مدی ایله لفظه جلالک *
 - * تاریخی آنک (خلیفة الله) *
- (*) ۱۱۸۷ (*)

(*) تاریخ انعام دولتخانه محمد عزت بک امین ضر بنخانه عامره (*)

- * جناب میراکرم کابرابن کابرافخم *
- * محمد نام محمود الشیم ذات ملک سیما *
- * امین ضر بنخانه ملجسای مستندان کیم *
- * خدا فضلندن ایش کاخ اقبالن فلک فرسا *
- * سخاده همچو حاتم سکه بی مرمرده قازمشر *
- * سماحتده هله یحیاک ایتدی نامنی احیا *
- * کالات ایله ذاتی معدن فضل و شرف الحق *
- * وجودی حسن رأی و فضلی جامع و نسخه کبری *
- * سزادر حشره دک مداح اولورسه کلک کوهر بار *
- * که مثلن کورمدی اول کان جودک دیده دنیا *
- * ایدوب بنیاد بو کاشانه والایی دولتله *
- * کال دقت طبع لطیفن ایلدی ایدا *
- * خورنق خور قالدی طرح دلکش رسمنه نسبت *
- * تماشای نقوشی اولدی هم مانی به حیرتزا *
- * درنده ایکی مصر عدبری یمن و شرف بایی *
- * بری سدسکندر در هموم عالمه کویا *

- * صبادر سخن دیواننده چون فراش چایکدست *
- * سزاهمتاب اولورسه طاقنه قنبدیل شوق افزا *
- * سرایای بناسی خوب ورنکین و صفا کستر *
- * همان اول ذات پاکه ایلیه مسعود آتی مولا *
- * دروننده نیچه دملر صفا له مقیم اولسون *
- * کدردن حفظ ایدوب حق هب مراد اتن ایده اعطا *
- * نسبیای بنده سی اندیشه تاریخن ایلرکن *
- * درونه ملهم غیب ایتدی بردلجو کلام القا *
- * عطار د خاهه آلسون اسعدا کبر حقه دار اولسون *
- * یازلسون طاقنه تاریخ (دولتخانه اعلا) * ۱۱۹۸

(*) تاریخ برای فتح مهادیه (*)

- * عبدالحمید خان که جهان پادشاهیدر *
- * فتح ایلدی مهادیه بی آفاقه مرده لر *
- * بولدی ظفر اوقلعه به چون جیش مؤمنین *
- * کندی عدو جهنمه فی النار فی السقر *
- * بهرام سیر ایدنجه بوقتی پسند ایدوب *
- * تاریخ دیدی بام فلکدن (زهی ظفر) ۱۲۰۲

(*) تاریخ صدارت وزیر مکرّم مصطفی پاشا (*)

- * فص نکین دولت خورشید برج اقبال *
- * سلطان دهر کاندر عهدش خوشست عالم *
- * چون خواست آن شهنشاہ ذاتی بوفوق دلخواه *
- * از بهر آنکه ساز دخود را وزیر اعظم *

- ✽ پس عون کرد کاری و برانمود یاری ✽
- ✽ تابرکزید آن شاه این دادر مکر م ✽
- ✽ دستور مصطفی نام حامی ملک و اسلام ✽
- ✽ اکلیل فرق ایام مظلوب اهل عالم ✽
- ✽ صاحب دلی که خواند از وی سبق فلاطون ✽
- ✽ پر دانشی که تدبیر آمد در و مجسم ✽
- ✽ قدرش چو بدر باهر فضلش چو مهر ظاهر ✽
- ✽ رأیش نمیکند از در دهر کار مبههم ✽
- ✽ درهم نمی شود کس پس زین زهر درهم ✽
- ✽ اندر کف کریمش یم یافت رتبه غم ✽
- ✽ روزی که کج یاقوت بخشد چو قوت روزی ✽
- ✽ حاتم مصحف آید در دست او چو خاتم ✽
- ✽ چون کشته بود آن ذات دو بار صدرا کرم ✽
- ✽ پس این چو وزیر بر دست عالم ✽
- ✽ بادا ببرج دولت قائم چو مهر انور ✽
- ✽ بر جای خود بود تا این کتب مطلق ✽
- ✽ کام دلش بخشد از یم فضل خویش ✽
- ✽ قلبش مصون دارد از کرد محنت و غم ✽
- ✽ چون کار دین و دولت باید بدست وی نظم ✽
- ✽ تاریخ مقدمش شد (آمد نظام عالم) ✽

۱۱۷۷

✽ تاریخ برای صدارت الحاج بکن محمد پاشا ✽

- ✽ مقدم آصف ذیشانه دو تاریخ لطیف ✽
- ✽ ایلدی مر نجلای کلک نسبیا انشا ✽
- ✽ مر ذهل صدر جلیل اولدی مسعود اوله ✽
- ✽ (کان انعام عنایتلو محمد پاشا) ✽

۱۱۹۶

✽ تاریخ وفات یحیی بن ابی بن ملک محمد پاشا ✽

- ✽ نجل مسعود ملک یعنی محمد پاشا ✽
- ✽ میر یحیا که مدرس ابدی باشهرت و شان ✽
- ✽ کو بیاروضه حسن ایچره نهال ترایدی ✽
- ✽ قیدی هنگام شباننده او ذاتی دوران ✽
- ✽ حق تعالی یرینی جنت اعلا ایتسون ✽
- ✽ روح پاک اوله هم غرقه بنور غفران ✽
- ✽ مد آه ایله نویاز سه قلم تاریخ ✽
- ✽ (میر یحیا بد مقرر اوله جوار رحمان) ✽

۱۱۹۵

✽ تاریخ وفات محمد داماد افندی ✽

- ✽ آه برآه که ایدر دبدبه دهری تپاه ✽
- ✽ مرک دید کلری یسدارک التندن فریاد ✽
- ✽ فخر هستیله نه حبذا اولسه سامانسز ✽
- ✽ آخر اندوه اجلدر امل زندن زاد ✽
- ✽ ای که تنک ایدی سکا مینه سرای عالم ✽
- ✽ او لسون اندامکه کورخانه فراوان آباد ✽
- ✽ روسیه ناصیه پاص کنه اهل توحید ✽
- ✽ یوزی آق اولمقدن اولمز ابعاد ✽
- ✽ چار تکبیر ایله ده دوشدی دعایه تاریخ ✽
- ✽ حرم عند خداده اوله محمد داماد ✽

✽ تضمین المشار الیه لکلام عبدالغنی قدس سره ✽

- ✽ ما عرفنا الهوی سماعا ولکن ✽
- ✽ ناولته ید الحیب فذقنا ✽
- ✽ قدا جاد المحب خبث تغنی ✽
- ✽ نحن قوم اذا نظرنا عشقنا ✽

✽ (وله) ✽

* لله قوم حارون بحبه * * حازوا مقاماً جل عن طوق الثنا
* دع عنك ما اهل اللجاج ملامهم * * لانت من ذاك القبيل ولا انا *

﴿ ٣٥ ﴾ وله ﴿ ٣٦ ﴾

* واذا ما رأى اذى ما وراءه * * عادلى عادلى خليلاً جليلاً *
* طرق المجد وعرة واليهما * * ساقنا سا قناد ليلاً زليلاً *

﴿ ٣٧ ﴾ وله ﴿ ٣٨ ﴾

* منتقم على الصب الكئيب بفضلكم * * فاصبح بين الحى حرا حسيباً *
* لئن ملكت ناس ممالك اعبدا * * فن فضلكم اتم ملكتم نسبياً *

﴿ ٣٩ ﴾ وله ﴿ ٤٠ ﴾

* قالوا عينك نرجس * * وطرى خدك روضها *
* هذا كلام حقيقة * * ولذلك يحسن عضها *

﴿ ٤١ ﴾ وله ﴿ ٤٢ ﴾

* تعلم فان الجهل شين لاهله * * وان كان تكسيه الجهالة سندسا *
* فالمرء الا باللسان وقلبه * * فان كلاً لا بأس ان كان مفلساً *

﴿ ٤٣ ﴾ تشطير المشار اليه لقول ابى نواس ﴿ ٤٤ ﴾

* لا تشرب الراح الامن يدى رشاء * * يريك من وجهه ما قدرى فيها *
* مورد الخد والصهباء فى يده * * تحكيه فى رقة المعنى ويحكىها *
* ان المدامة لا يلد شاربها * * ان كان ذا شارب من كان يسقىها *
* فالراح لا تند الافراح فى مهج * * حتى يكون نقى الخد ساقبها *

﴿ ٤٥ ﴾ وله ﴿ ٤٦ ﴾

* يقر بنى يوم ما يصدنى * * فن امره يجلولى القرب والبعد
* يقلبنى فى الوصل والهجز حسباً * * ارادونى الخالين اتى له عبد *

﴿ ٤٧ ﴾ وله ﴿ ٤٨ ﴾

* قل هو الله واحد * * وهو الله ربنا الصمد *
* خالق لم يلد ولم يولد * * لم يكن كفو ذاته احد *

﴿ ٤٩ ﴾ وله ﴿ ٥٠ ﴾

* واذا ما الملى نار لالت * * ورمتى بصر فيها الاد وار *
* لست ادعوض راعة وعفاراً * * بل انادى بارب يا غفار *

﴿ ٥١ ﴾ وله ﴿ ٥٢ ﴾

* يا حبيباً سرىت فى لحن من * * قدرة الرب فوق سبع طباق *
* مذكراك المسبح فيها توى فى * * رصد آمل لعود التلاقى *

﴿ ٥٣ ﴾ وله ﴿ ٥٤ ﴾

* لا تشرب الصهباء الامن يدى * * رشاء تنور اعين العشاق *
* واجعل مقابل ناظريك جماله * * ان الجمال مهيج الاشواق *

﴿ ٥٥ ﴾ تضمن المشار اليه لقول بشار ﴿ ٥٦ ﴾

* يا انعم الناس جسماً قدرى لنا * * بيض الكعوب من اذبال تواريك *
* اربتها مرة فى الدهر واحدة * * ثنى ولا تجعلها بيضة الديك *

﴿ ٥٧ ﴾ وله ﴿ ٥٨ ﴾

* كم ذا يقلبنى الزمان بصرفه * * فكاننى صحف بكف الجاهل *

﴿ ٥٩ ﴾ وله ﴿ ٦٠ ﴾

* اذا قالت ليلي است انا قائل ذا * * وان قالت سعدى ما انا المتكلم *
* لقد سار فينا مثل ارواحنا الهوى * * فنحن سكوت والهوى تتكلم *

﴿ ٦١ ﴾ مما كتب على كتاب من كتبه ﴿ ٦٢ ﴾

* لعمرى هذا السفر بحر حقيقة * * حوى من درارى العلم ما لارأت عين *
* وما لى ان سميت العدن مجبياً * * لما فيه معنى قط لا سمعت اذن *
* وفيه معان لو تفكر فاكراً * * لضاقت بها الارض من السهل والحزن *

﴿ اصح حديث ثم احكم آية ﴾ * جمع من به كازهر اخرجته الغصن
 ﴿ وما من لييب جاء جمعاً بمثله ﴾ * وما جاد من جم القرون به قرن
 ﴿ تغمد من جاد علينا بجسعه ﴾ * برحة من بان بقدرته الكون *

﴿ ﴾ وله ﴿ ﴾

﴿ رماني زمانى بالنوى فشجانى ﴾ * فهل لامانى النوافش جاني *
 ﴿ خليلي كم اخرت ماني عن المني ﴾ * خليلي كم عوقما خليلاني *
 ادور روضة قد حف بالمجد حولها * جنان جنان او جنان جنان *
 ﴿ بلا بلها غنت بسجع كانه ﴾ * اغاني غوان او معاني المثاني *

﴿ ﴾ وله ﴿ ﴾

وصالى سنتكم سنة * فراقى سنتكم سنة

﴿ ﴾ الاصل لواحد والنشيطير للمشار اليه ﴿ ﴾

سرتم وخلقتم المشتاق حيرانا
 يسير وهو اسير في محبتكم
 لا يستطيع قرار ابعدهم
 فكيف يصنع من تشد لوعته
 يهيم ان شام من اطلال داركم
 يشم برد النسيم ثم يرسله
 احبابنا هل تعود الدار نجتمعنا
 ياليتها تسمع القلب الجريح به
 وتبجلي كربي عنى برويتكم
 وتمتلى العين شبعاً من وصالكم
 اهوى لقاءكم وقولى باللقاء وقد
 يا قوم لا تعدلوني بالهيام فقد
 فارقتهم ودموع العين في صيب
 متبما بسلاف الهجر سكر انا
 يبكي ربوما خلعت منكم واوطانا
 ان الفراق يعل القلب احزاناً
 ولا يرى منكم صبراً وسلواناً
 برق الوصال فايدري بما يانا
 برقا ويذرف دمع العين غدراناً
 مثل الثريا كما من قبل قد كانا
 يوما فيرجع شملي سلماً كانا
 ويرجع القلب بالافراح ملاً
 وتستقى مغرماً ما زال ظمناً
 ارقتموا مقلتي بعداً وهجر انا
 فارقت قلبي منذ فارقت اخوانا
 كقطر مزن بيوم الغيب بلقانا

والشجو قد ترك العينين في سهر
 والمرسلات على خدى لفرقتهم
 والنازعات عن الاحشاء سلوتها
 يا وحشتا لكم ياسادة رحلوا
 ساروا واخلوا بارض لست اعرفها
 تبالا يدى النوى كم من دم سفكت
 ولا رعى الله واش رام فرقتنا
 عليك يا لصبر فالايام اشبختها
 كذا قضى الله فيها منذ قدرها
 والقلب في لهب واللب حيرانا
 كالنهر سالت ايماناً وايساراً
 والذاريات فابيتى لى اجفانا
 يالبنى في هواهم لست ولها نانا
 واضرموا فى الحشا والقلب نيرانا
 ومدمع هتكت قد كان وقد كانا
 عمد او اضحك اعدانا وابكانا
 تبكى الرجال على الاحباب احزاناً
 تمر حلوا وتعطل المرء خسراً نانا

﴿ ﴾ وله ﴿ ﴾

اكتب لى الوعد الكريم باحرف فالقول ينسى والكتابة تعهد

﴿ ﴾ وله ﴿ ﴾

ان اصبح قلبك في فلق عذ بالمولى رب الفلق

﴿ ﴾ وله ﴿ ﴾

﴿ عزم بكذشت باهى وذوق وصفاء ﴾ در دست بماند مائة وا اسفا *
 ﴿ يارب تو بحال من كه على دارى ﴾ عن كل سؤالى هو حسبي وكفى *

﴿ ﴾ الاصل لواحد والنشيطير للنسب ﴿ ﴾

﴿ حكم الزمان بفرقتى وبعادى ﴾ * وكذا جرى حكم الزمان العادى *
 ﴿ يادهر كم اوقعت قلبي في توى ﴾ * عن احب ولم يكن بمرادى *
 ﴿ واوحشتى لفراق من احبتهم ﴾ * فجعلت منزلهم بعين سوادى *
 ﴿ كانوا معى يمشون يوماً ثم هم ﴾ * رحلوا وقلبي معهم وفوادى *
 ﴿ شدت مطاياهم وسارت عيسهم ﴾ * فشدت عن جفنى رحال رقادى *

ودعوا التيمم في ضناه وودعوا * عجل و نادى للرحيل نادى
 فوقفت ابكى حسرة وتندما * وتأثير من فرط حرفو ادى
 اجرى مدام مقلتي تشوقا * وتشوقا و تاسفا و نادى
 يادار ما فعل الزمان بجيرة * كم لارا هم بين ذلك الوادى
 كانت تقر بقربهم عيني وقد * كانوا ضيا بصرى واهل و دادى
 فاجابنى الدهرا لمفرق بيننا * ياليتنى يوما يكون الهادى
 بمقالة قد افحمتنى وهى ذا * اسمعت عن سكن تجب نادى
 ما كنت اعلم قبل يوم فراقكم * الم النوى فظننت ظن فساد
 فاليوم ايقن عبدكم ياسادى * ان الفراق مفقت الاكباد

* ناظم مر حوم اون طقوز ياشنده ايكن بر ليله مبار كه براتده اعفاى حليه
 ايلد كده انشاد بيورد قلرى قطعه دلارا در *

* ار سال حليه ايتدر بچك بر قوله كبار *
 اعطى ايدر آكا يازعامت ياملك و باغ *
 * يارب در كده ويردم اذن بنده حليه مه *
 * بخش ايت برات معصيتم قبل بنى چراغ *

(*) وله (*)

* اى كل يوز يكه پرى و آدم حيران *
 * وى خوب اوز يكه جيع عالم حيران *
 * تا خال جالكى كه كور مش اوزمان *
 * قالمش حجر بيت مكرم حيران *

(*) وله (*)

* آى يوز كه پرى يوزين رشك كلستان ايلدك *
 * بوى زلفكاه جهانى سنبلستان ايلدك *

* خضر صد سعيه بولدى برايم آب حيات *
 * سن اوصودن سر تسر دنياى ريان ايلدك *

(*) وله (*)

اولدى نقش قدم حضرت فخر عالم
 تاج و هاج سر جله اهل ايمان
 او قدمدر كه ايدوب طى سماوات علا
 منزل سدره به بصدى شب اسراده عيان
 سوز يوزك عجز و نياز ايله ايدوب استشفاع
 اوله يم ديرسك اكر بظهر عفو و غفران

(*) تاريخ تسريح حليه مصطفىاغا (*)

* كز يده ظرفا يعنى مصطفىاغا كيم *
 * خصال نيك ايله او لمشدى عالمه مشهور *
 * يك كانه عارف و دانادل ايدى اما كيم *
 * جالى حليه ايله بولمشدى حليه نور *
 بود فعه مظهر لطف جناب حضرت اولوب *
 * صفا و خواهش ايله و بردى ريشنه دستور *

* رسول محترمك قلدى سنتن اجرا *
 * خدا مر امنى حاصل قبله دان مسرور *
 * نشان نوردلى ظاهر اولدى و جهنده *
 * اور يش پاك مطهر سفيد ايتدى ظهور *

* بياض صبح سعادت در اولدى شعشه پاش *

* ياقشدى شير و شكر كى و بردى و جهنه نور *

* سفيد بسمله در صان كابه حسنه *

* يا خط شيخ ايله بر لوحه در كاوه مسطور *

کورن جسانی بر کرده بر بوتار یخی

(یازدی صفحه ماه اوزره صانکه سوره نور)

وله

بر کوکل کیم غرق انوار جمال یار اولور

جایکاهی نار نمرود او لسه ده کلزار اولور

حسن عالمسوزک اواسه جلوه ریززم باغ

بلبلان پر واز کلر شمع آتساز اولور

وله

بزه وصف ایله خاصیت کبرک رخسارک

انی بزقو قلدق ای ور در اما ز کام اولدق

عجب تأثیری وار آب وهوای کلشن عشقک

رقیبان اولدی شایان وصله بزکند بجه خام اولدق

دیمش سن خام اولنر وصله اولمز بنم شایان

بزی کو رکیم بکم خاک مذلتده تمام اولدق

وله

کفتند که اصحاب کبان می بودند

کز روی شرف سر بسی می سودند

کفتم که عبارتتم رسائیت ولی

قرآن زده ان مصطفی بشنوند

وله

خالک اوده یاقدی عنبر سارابی

حسنک توزه قاتدی شوکت دارابی

سیناح اولوب ای مه کوجه بولدی کوکل

آرابی جهانی سن جهان آرابی

وله

پرورده دست شاهده شهباز هتم

دریای جوی باد پرمله قور تشم

اما شکار دستنی صیاد چرخ الور

طوتکم همایی پنجه بخت ایله طوتشم

وله

دلک عرفانی وابسته صوف ایله یارب

کالم جبه و دستاره موقوف ایله یارب

چو طبل ساده دل بن ایستم اوازه شهرت

بنی قبل عارف اسرار معروف ایله یارب

وله

ال الهیان یانه کلکشت ایدلم دیر ایسه اوسرو

طورمه عاشق ویرالک بازارلق سندن بکا

دل میان خال و خطده بی کنه دو تشم شهید

قان دوشر اما حلال اولسون بکم بندن بکا

وله

دل خسته غمی اومه اغیاره آشنا

دعواسنک خلافته قوی دلبلدر

بلیل اسیر حسرتی کل خاره آشنا

کیم دیر ایسه نسب بنم یاره آشنا

وله

داستان اسخیا دن سوطن کلدی بکا

بلزم بحی بلائی بوخسه حاتم یوقیدر

طوتکه بونلره ارایمش اما فلک محو ایلمش

ایچلرندن برتناسل ایتمش آدم یوقیدر

(*) (*) وله (*) (*)

* روز شب قان بودم شش جهت سد سدید *

* حاله کیمسه یوق آگاه خدادن پیری *

* فی المثل بیضه ده کی پچه نازا ده بنم *

* چاره یوق در دیمه صبر ایله دوادن غیری *

(*) (*) وله (*) (*)

* شاه اقلیم کرامت ساخت بس تقوی مرا *

* بریم می بعد ازین خواهم زدن اورنگ خویش *

دل فلاطون شد خش و یک جنون خوانند خلق

ز داین اطفال لطف طبع من شد سنک خویش

(*) (*) وله (*) (*)

* فکر زلفک دلداده آخر اشک صهبا کون اولور *

* صبر ایله مشک غزالی دشت عشق خون اولور *

* غمزه سنده اول خط آور مهوشک برفته وار *

* فتنه آخر زمان کور سه اتی مقنون اولور *

(*) (*) وله (*) (*)

* کوه و وصلت نه عمان محو بتده در *

* یسل ندر تقدیم لاتا خیر الادن مراد *

* عاشقه تعلیم دلسوزی نار عشق در *

* قصه پروانه و شمع شب آرادن مراد *

(*) (*) وله (*) (*)

* گرفته سوزن تعلیم دست چرخ درون *

* زند بسینه مانقشهای کونا کون *

* کجا که هست بلایی سراغ کم کرده *

* کشد بجزره من همچو حاجب مازون *

(*) (*) وله (*) (*)

* مر از بر شعاع طالع یکدم قراری نیست *

* گرفتن بر سر این شاخ وارون آشیان مشکل *

* اگر زاهد زند لاف کرامت راست میگوید *

* که نبود مردم خوابیده راطی مکان مشکل *

(*) (*) وله (*) (*)

* یارب بحبسال با کمال دلدار یارب بدل شکسته عاشق زار *

* یارب بفقان بلبل و خنده کل مقصود من عاجز در ماند بر آر *

(*) (*) (مطلعات) (*) (*)

یا تمق چو حکم طینت انسان در دلا

یا ن عشقه تا که اولیه تن ناره آشنا

(*) (*) وله (*) (*)

یار بی جور بمایار نکو شد که نشد

حسن در هر سر بازار نکو شد که نشد

(*) (*) وله (*) (*)

* مرد چون جاهل بود ز ومدعا کردد بلند *

* شمع جون افسرده کردد و دودها کردد بلند *

(*) (*) وله (*) (*)

رویک که ز رزلف سیه فامدن چقر بر ماهدر که بدر اولوب اخشامدن چقر

(*) (*) وله (*) (*)

* باد سخت ونیم شب کشتی کهن غائب کار *

* سوبله ای دل نشلسون بونده فرید روز کار *

(*) (*) وله (*) (*)

حرف وفایی غمزه لک سینه دن سلر

* سر صفایی هجرک آینه دن سلر

(*) (*) وله (*) (*)

* بولیانلر سیرده سری هممان سیری بیلور *

* بیلینلر روحی انجق صورتی دیری بیلور *

(*) وله (***)

* نور کوثرله ایدوب شسته ادین جان قودیلر *

* جانده آن ویروب اسمنی جانان قودیلر *

(*) وله (***)

* کجمن نیازاوشوخه دیواوله نامید ایلر خطی ظهور زمان کلور کچر

(*) وله (***)

* برحو جءدن الدق سبق بلبل ابله بز بر نسخنه دن آجدق ورفی بلبل ابله بز

(*) وله (***)

* زلفکی تصویر کیم نقاش تقدیر ایلش *

* ملک شام و حسنی صان بر برده تصویر ایلش *

(*) وله (***)

* دل پر ناله بنم غمزه دلدوز سنک * آه جانسوز بنم حسن جهانسوز سنک

(*) وله (***)

* بر بهاره ایرد انجایی خزان دردک کوستر بر ثمره آخری روی زردک

(*) وله (***)

* ایدر سه یوسه دهندن نوله حقیره کرم *

* کریم اولنده نهانی اولور فقیره کرم *

(*) وله (***)

* دکل سنک مزارم وزن ایچون جرم فراوانم *

* کتوردیم ایکی دستله حضوره سنک میرانم *

(*) وله (***)

* نور چشمندن خدا بر شخصی مهجور ایتسون *

* حق تعالی کوردیکندن کیمسه بی دور ایتسون *

(*) وله (***)

* تکلیف ایدنجه ساقی مجلسده بالبداهه *

* صوفی می حرامی ایچمش مع الکراره *

(*) وله (***)

* قاش حسنکه ای مهر بولندی حاکی *

* طقوز طولاندی قرچار سوی افلاکی *

(*) وله (***)

* ابرویه ایلشد کسهده ترک قورویایی *

* چکیکده نه لذت بوله سن بر قورویایی *

(*) وله (***)

* سفله پر ور اولدیغنه د الدر چرخ دنی *

* متصل میل اوزره در خاکه بقلسه دامنی *

(*) وله (***)

* دعای نیم شب قومه بی چراغ بی *

* صباح حشره چیقارسون چراغ داغ بی *

(*) مفردات (***)

* آتش زده است دردم آب و هوا و خاک *

* زآن رو بدوش داشته ام بارانخنا *

(*) وله (***)

* هر شکنجیدن تماشا ایلیوب رخسارینی *

* سایه سنده زلفنک بر آفتاب ایتدم بوشب *

(*) وله (*)

* پیاد ساعدش از پس کشیدم آههای سرد *

هوای خانه ام شد بنجمده همچو بللور امشب

(*) وله (*)

* اولسه نسخه حسنه دهانک مشکوک *

* خال لب نقطه عشق کبی اولور میدی بید *

(*) وله (*)

* بودر آرایش بزم چستزار محبت کیم *

* اوله کلدن تغافل بلبل همچور دن فریاد *

(*) وله (*)

* بهر ادراک کنه ماهیات *

* خشت خم وعینک فلاطون شد *

(*) وله (*)

* جله تدبیر سرکارده استاد کرک دستگاه عملاک اولسون آلاتی غرور *

(*) وله (*)

* گاه زلف باری که سر کوی بیاد ایله مرغ دلک فغانی نسبتب ایکی پرده در

(*) وله (*)

* هر کیچه برین آلوب پسته بیاد وشر *

* ساده رخان زاهدک دوزخه اولادیدر *

(*) وله (*)

بیدار ایدر رونی دو بالاسی غفلتک اعی جلای دیده بولور کحل خوابدن

(*) وله (*)

* مست خواب غفلت اولمز محرم بازار عشق *

* اهل عشقک اخذ و اعطاسی دم اسخارا اولور *

(*) وله (*)

* صفای عشق بودر تیر غزه جانه کیمه * درونه کلیده اما ذره دکلو غبار *

(*) وله (*)

* خلق ایدر داد و ستد بزیر تلاش و بی نصاب *

* چارسوی عالمک بز او کمدق دلالی یز *

(*) وله (*)

* بر جام یتر دولت دنیا بزه ای ساقی * اقبالی ایاغ ایله دپر طرفه کدایز *

(*) وله (*)

* آتش قلبکی اشراب ایده یم یاره دیمش *

* گوش اینجه قدحه دیر که سراخی قلقل *

(*) وله (*)

سلفم راهرو وادی عرفان شدورفت * ناخلف باشم اگر من پی زان نزوم

خلوت در انجمن کم از کتر تم چه باک * تنهانسته در ته یم آب کو هر م

(*) وله (*)

* بگذر از ظاهر که نیم موج در روی یم است *

* در ته دریای توحید آی و آسایش بین *

(*) وله (*)

* سوز بوق بلی تحیت ار باب دولته *

* امار کو عبدر عرفانک بلن بوکن *

(*) (*) وله (*) (*)

* یاقوب کل ایدوب عشقی ایله صکره دیمش یار *

* وارسون گنی عاشق شیدانک آشد قاتسون *

(*) (*) وله (*) (*)

* قیسه طعن ایته او نجه خیمه لیلی عیان *

* دار دنیا تنک اولور دشت غمک او باشنه *

(*) (*) وله (*) (*)

* بلبل و پروانه آلمش حقیقتدن پیام *

* بیر ایش کلشنی صدق ایله بیر روشنی *

* سوسنی کلزاره دل کوندر دی سلطان بهار *

* کوزل ای سروروان آجازدن هر سوسنی *

(*) (*) وله (*) (*)

* شور تبه سیم اشکم ایلی پر جیب و دامانی *

* طواف کعبه کویک فقیره فرض عین اولندی *

(*) (*) وله (*) (*)

* یرده کوکده مهر د لبرله قراری قالمدی *

* ذره صای شبنم طوت ای ناصح دل آواره بی *

(*) (*) وله (*) (*)

* برکشته فنا اولور البت بو کهنه کاخ * قالمز برنده عالم و آدم بقا قالور *

(*) (*) وله (*) (*)

بردر خدا بو سوزده ایم اولسه تم دو چاک * سوز بر جناب خالق کون و مکان بر

(*) (*) وله (*) (*)

(*) (*) وله (*) (*)

واعظا دکه ترا کتله رخ دلبره کیم * او قماشه نه دیسک عاشقی یاننده دگر

(*) (*) وله (*) (*)

* سنک جوینده کویکدر انجق ای محیط حسن *

* دوشوب صحراره دیوانه اولش کشت ایدر جولر *

(*) (*) وله (*) (*)

* قیلسه اول مهرک نظر آینه رخسارینه *

* صفحه کردونده مهتاب نقصان ییلور *

(*) (*) بعض ایبات که باسامی شکوفهها بر حاشیه ازهار نامه نوشته بود *

* جمله ازهار چمن خوب و فرح بخش اما *

* طبعی مستغرق شوق ایلدی نور زیبا *

(*) (*) وله (*) (*)

* کرچه اطفال چمن جمله صفا بخش اما *

* مست ایدر طبعی بو اشکوفه آشفندما *

(*) (*) وله (*) (*)

* باق طلعت زیبانه کسب ایله لطافت *

* نحس غمی محو ائده در نیم سعادت *

(*) (*) وله (*) (*)

بو نیم دلارایه ایدن نظره رغبت * بی شبهه یوزنده یولور آتار سعادت

(*) (*) وله (*) (*)

* بو تخمک جبهه سنده ایله دقت * عطاء الله در آتار رفعت *

(*) (*) وله (*) (*)

تعالی الله بونخم نازه ده بر باشقه حالت وار
باقلسه روینه امعان ایله آثار عزت وار

(*) و له (*)

هر لاله نك هوا سیله اوله داغدار
ایلرسنک ایله اجل ازهاره اعتبار

(*) و له (*)

همان لاله دیوب کیمه کم انده سر سبحان وار
انک هر برخم برکنده صدا سرار یزدان وار

(*) و له (*)

جوینده حقایق ایسک ای کوکل اگر
اسرار حقه صفحه کلشنده قل نظر

(*) و له (*)

اولدی بوشکوفه ضیادار
زرین علم سیاه ازهار

(*) و له (*)

چمن اطفالنک طلعتلری باجمه روشندر
بنم اما که مقنون اولدیغیم معشوق کلشندر

(*) و له (*)

هر چین کرم اوله ازهارا یله بازار بهار
کاله صبری ویر نقدریعه دل زار

(*) و له (*)

تفال ابتدی سحر باغده دل مهجور
بقجه نسخه کلزاره کلدی مطلع نور

(*) و له (*)

کرچه هر لاله یه برمر تبه ویرمش قیاض
دست شاهانه سزادر هله باقوت ریاض

(*) و له (*)

قزارر شرمه کل بلبل اولور باغده لال
ایدیجک نازایله محبوب زمان عرض جمال

(*) و له (*)

کورمدی باغده چشم ایام
نخل مینوکی موزون اندام

(*) و له (*)

ایلر هله چشم نختی روشن
شهر صالیجق همای کلشن

(*) و له (*)

چمنده زیر و بالایله بقاتلر چشم دقتله
بو لورل کوی ذوق و شوقه بول نیم هدایتله

(*) و له (*)

یو قدر بو آب و تاب نه مهر ونه زاله ده
اظهار قدرت ایلمش الله بو لاله ده

(*) و له (*)

آجمق ایسه کلشنده مر امک دل زاری
اعزاز ایله آل دستکه مفتاح بهاری

(*) بنام عطری (*)

کاسه طنبور یده ایلر سبوش رندنوش
مطر بانی مایه برماهر وایله کل ایله جوش

بنام لیب

* خوش کلور اول بهار امانوای دلفریب *

* شوخ سون سن کل چار فصل عندلیب *

* (بنام عبدی) *

* دون کیچه کوکل وصلت یاری طلبیده *

* کلده کده کوخم طوغدی اومه بنم شجده *

* (بنام ایوب) *

* دو بالادر قندک عکسیله جوده ذوقی کلزارک *

* بیور کلزاره کم بر عالم اینسون عاشق زارک *

* (بنام درویش) *

* آب و تاییله تماشا یه اوکلر خاری *

* شاخ کل چکدی یوزه کلبن شبنمداری *

* (بنام حسب) *

* اصلی یوق حاصلی سر کشلکن قالمایدی *

* در عقب میوه وصلن دیله دم المایدی *

* (بنام رسم) *

* کور اغیاری کورسه عاشقه دوچار اولوب اغلر *

* اوآفت ایکی یوزدن رسم دشوارک باشن باغلر *

تافتند و بولندی یعنی مسطور صحیفه عرض ایتمکه ذریعه جوی ایکن
 عبد الله اغابنده لری امید خالیوس مجلس اقدس لریله اولسوی دلجویه قادمه
 جنبان نهضت اولغله تجدید قبالة خصوصیتته بادی اولمشدر ان شاء الله
 تعالی لری شرف المثل فیمابعد دخی جانب مستهام سمعه مجانب لری
 حیطة خاطر انوردن اماطه بیور میوب واردین وقوعنده غبطنه فرمای
 عرف عنبر اولان رواج فواج پیام زندگان لری ابلاغیله منبسط الفواد
 بیور ملری قصوای مآرب اقبال دخی واهیدر

مأمور اولدیغی سفارتدن درعلیه ده برذاته کوندردیکی مکتوبدر

از قدیم پیوسته جانب سنی المناقب لری اولان عروه و ثقیای خلوص
 و ولاساحة سینه و داد پروریده هر یوط وتدلانفصام لها اولقدن
 ناشی علی الدوام نشر از کار جمیله و یاد اوصاف نبیله لریه و زککردان
 مجموعۀ دورنگ لیل ونهار اولدیغی افاده و انبایه ذریعه جوی ایکن
 بودفعه احد بنده لری طرف باهر الشرف لرینه مطیه ران عزیمت
 اولغله مجرد لوعه درون اخلاص مکنون صادقانه مرزی اظهار
 ومبارک خاطر عاطر سعادت مظاهر لری استنباط واستفسار سیاقنده
 مکتوب محالست تحریر و فرستاده نادی سعادت مصیر لری قلمشدر
 ان شاء الله تعالی لری الوصول جنبان سعادت نصابلرینگ هر حالده
 اجرای مراسم صدق و مودت و ایفای لوازم ود و محبت لرینه نقد وقت
 مخلصانه مزک مصر وف ایدوکی معلوم سعادت مر سوملری بیور اقدده
 فیمابعد جانب محب ریا مجانب لری تو جهات صمیمه لریله یاد
 وتذکاره بذل جل همت بیور ملری مأمول خالصانه مزدر

مأمور اولدیغی سفارت سینه دن بکلکچی افندی حضر تلرینه کوندردیکی

عریضه سیدر

از قدیم پیوسته سوی دلجوی فاضلان لری اولان عروه وثقی خلوص
 و ولاساحة سینه دو انخواهیده هر یوط وتدلانفصام لها اولوق
 مبعاسنجه بکرة وعشیا ترادف اسباب مجد و سعادت لری دعواتنه



هر بریوسف امیدی مودوع غیابة الجب فقد ان اولان مرد یعقوب
 منش که ذکر زبان مقالی (فصر جمیل والله المستعان)
 اوله لادرهبری توفیق جنبان کرد کار ایله رسیده سوی وصول اولوب
 بای حال عزیز مصر اولوق مقتضای عادت جاریه سبحانی و هر بر ظهور
 جنین املدن مشتعل الرأس شهب یأس اولان مرء زکریا روش که
 ورد لسان حالی (اذنادی ربه نداء خفیا) اوله البت بشیر بشیر (انابشرک
 بغلام اسمه یحیی) ایله واصل سمت مأمول اولوب علی ای وجه فرید
 عصر اولوق مبعای تقدیر ممتنع التغبیر ربانی اولدیغی معلوم

(*) برذاته (*)

معروض بنده کینه لریدر که ساحة فسیحة فضیلت آباد لریله سواد معظم
 سویدامن میانده مشدود الارکان تل اشتراک اولان قصر مشید خورنقی
 الدعایم حب و و دادک نقش کابه عنوانی نشیده در یعنی پیش منی اولان
 سوراخ کوه جهاننماسدن شام و سحر صورت مستحضرة ذات کروبی
 صفات لری تماشا سیله بحمده مطالعه دیدار تماثل اکدار هجراندن

مواظب و اخبار ساره عافیتلری و رودینه متظر و مترقب ایکن محبوبه
 سامعه جان و معشوقه باصره روانمزا اولان شاهدز پینده خرام پیام صحت
 یعنی ملطغه الطاف علامت اعطای امارتلی بر آن یمن اقترانده
 رسیده نظرگاه دوامجوی بی اشتباه اولمغله استیلای فرط غرام ایله
 زنگ آلودضعف و قوتور اولان صریای حواسمز بر وجهه جلا پذیر شوق
 و سرور اولمشدر که وصف و تعبیری وارسته کنجایش حوصله تقریردر
 همواره جناب حضرت صانع تعالی ذاته عن ان یکون موردا لکل
 شارع حضرتی ذات بیهمال کروی خصالترین متوسد غارق
 مصفوفه سعادت و اقبال اولمقدن خالی قلیوب محول ذمت همتلری
 قلنان کذارش احکام شرعیه مصطفویه خصوصنده دخی توفیق
 از بس رفیق ایلیه امین فلان بنده لری بودفعه جانب بلند مناقبرینه
 شرا عکشیای عزیمت اولمغله مجرد لوعه درون اخلاص مکنون
 محبانه مری اظهار و مبارک طبع فضائل تبع لطافت کردارلین استفسار
 سیاقده نسیقه ثنائی تحریر و مبعوث نادى سماحت مصیرلری قلتمشدر
 ان شاء الله تعالی لدی شرف الوصول فیما بعد دخی بو مخلص صداقت
 شعارلین پیرامن خاطر مکارم مأثر دن اماطه و ابعاد بیور میوب
 گاه و بیگاه ایفاء سفیر مسرت که ابلاغ پیام صحت و عافیتدن عبارتدر
 تجدد ماه و ساله توقیف بیور لماق مرجو و مسؤولدر

(*) رئیس الکتاب افندی حضرتلرینه عریضه سیدر (*)

از قدیم آینه صفونمای طبع مکارم نبع داوارانه لرنده مشهود باصره
 یقیم اولان صورت تطف و بنده نوازی بالضرورتنا و اقبالخواه لری
 کردن بسته سلسله رقیب ایتمکدن ناشی علی الدوام التماع ماهیچه
 توغ پرفر و غ اقباللری داغزن مهیچه ماهنیر و اتساع بارگاه دولتیناه جاه
 و جلاللری تنک سازدرون خیمه چرخ اثیر اولمق دعواتیله روی تضرع
 وقف محراب نیاز و دست عاجزم برداشته درگاه جناب خالق بی نیاز

اولدیغندن غیرى بوخلالده اثر توجه اکسیر خاصیتلریله حق ثناکار یده
 جلوه کر منصفه ظهور اولان سفارت سنیه مناسبیله مبعوث دولت ابد
 پیرایه لری بیوریلان تخریرات علیه لرنه دست عاجزانه مرسیده اولدیجه
 حسب المأموریه مضامین مبتکره سنیه لرنی که منعوت مدیح حسبتهم
 لؤلؤا منورادر تنضیدر شته اختصار برله نقل صحیفه عرض ایتمکده
 صرف جل صداقت ایدرک اعظم مهمام مظلومه به بسمله امر ذی بال
 ایتمکی باعث مفاخرت و لازمه ذمت عبودیت بیلوب حاصلی هر حالده
 جان و دل که خلاصه آب و کلد ر حق کر مور یلرنده متقلد اسباب تمحص
 و اخلاص و متوجه منهج الصدق رقیب و اختصاص اولدیغی رازدان
 خطیره الغیب و محرم نهانخانه لاریب اولان ضمیر الهام سمیر امیرانه لریند
 دخی اشکار اولمغله مجرد تجدد قبالة بتدی ضمنده تمیق دعا نامه به ابتدار
 اولمشدر عنایت شعار عطوفت دتار چندین مدتدن برو نغمسنجی
 ستایش ذات مکارم سماتلریله فراغ اسماع خدام درى النظام ایتمکده
 وقوع عیافته اولان قصورم حاش لله مواظبت دعوات خیره و شکر و نوال
 برینه لرنده ذره مافتوزه منی اوله هر چند نساج اندیشه عجز نیشه پیشگاه
 والارینه تقدیم پرنیان عبودیت ضمنده دغه جنبان دستگاه ندبیر اولدیجه
 پیچیده منوال (العیدیدر) اولان تار و پوداراده بریده مقراص (والله بقدر
 اولمغله جبین مینلرنده لمعه یاش اولان نور ساطع الظهور یوز شبدیری
 مقتضاسنجه بو بایده عفو و صفح کریمانه لری حق چاکرانه مده
 درکار و تسویغ و فیما بعد معتاد و مألوف اولدیغی انظار عنایت آتارلری
 کما کان مبدول و بیدریغ بیور لمق متضرع و مسؤولدر

(*) مکتوبی صدر عالی افندی حضرتلری طرفنه عریضه سیدر (*)

از قدیم عنایتلو افندیك انواع الطاف بی نهایتلرینه مألوف و معتاد
 اولدیغیم مقتضاسی روز و شب تزیاید ایام عمر و دولتری دعواتنه اشتغال
 برله حق چاکرانه مده تموج بحر زخار عطوفت لرنه دیده بره انتظار ایکن

بود فعه محض عنایت بی غایت خدیوانه لرندن مبعوث سوی بند کاتم
 بیوریلان کر منامه احسان غلامهاری بر حین مینت قرینده شرف
 افزای راحه تعظیم و مضمون عظوفت نمون عنایت مشحونی بالجمله
 قرین اذعان بقاجوی اخلاص و سبیری اولغله دولتو افندمک مطلع
 نیر مجد و اقبال اولان طرف معالی اشتمال آصفانه لرندن بو وجهله بارقه
 جهان افروز توجه و تکریم مشاهده سی بنده دو انخواهیلرین غرقه
 نور سرور و فرق افتخاری رسیده شعرای عبور ایلمشدر همان جناب ایجاد
 و فرمای دائرة اکوان جل شانہ عن وصمة النقصان حضرتلری وجود
 باهر السعود کرمانه لرین هر حالده وارسته ملاسسه ریب المنون و ذات
 مکارم سمات داورانه لرین همیشه مظهر ابهت و اجلال روز افزون ایله
 امین جانب بلند مناقب آصفانه لرینه اولان قدیمی ارتباط کتر آنهم
 مبتغاسنجه دوام عمر و دولتلی دعواتی ضمیمه اوراد پنجگانم ایدوکی
 عکس انداز ضمیر رأفت سمیر دستورانه لری اولغله مجرد تذکیر صدق
 طویتم ضمیمه رفیقه ضراعت علامه تسطیرینه ابتدار اولمشدر ان شاء
 الله تعالی مشمول نظر عاطفت اثرولی النعمانه لری بیورلدقده از قدیم
 معتاد و مألوف اولدیغم انظار مکارم آثار داورانه لری کما کان حق
 چاکرانه مده مبدول و بیدریغ بیورلمق باینده لطف و احسان دولتو

* بعض یاراننک کوندر دیککی احزان مکتوبه جوایدر *

اوته دن بروجناب دولت لرینک ازل و جان ز بوده اخلاق حیده و دل بسته
 اطوار بر کزیده لری اولدیغمک مقتضاسی صبح و شام رشک شمیم مسک
 اذفر و غبطه فرمای عرف عنبر اولان پیام عافیت مسرت کسترزینه
 کشاده مشام انتظار ایکن فلان بنده لر یله فرستاده بیوریلن الوکة
 حرؤت مسلو کله لری بران مینت اقتزاند رسیده راحه تجیل و ما
 صدق عباراتی مفهوم ثنا کار قدیم اولغله حاوی اولدیغی خبر دهشت
 اثر واقع معهوده * حکرم چون درد غم پامال اشک لعل کون ایتمشدر *

لکن چونکه خامه صنع ازلی و کلک ارادت لم یزنی بو عالم کون
 و فسادک ترتیبه نقش بند ایجاد اولدقده همیشه ایام بهار سروری لبالی
 خزان اقداره پیوسته و همواره آغاز حیاتی انجام ممت ایله بهم بسته
 قبلدیغی نظر خرد دار خرده بینه ظاهر و نمودار در پس داخل حکم
 جف القلم اولان وقایع ضروریه الوقوع مقابله سنده بره و جب کریمه
 لهم اجر غیر ممنون زمره مؤمنینه اعطای اجور جز یله بیورلمسی محضا
 تفضلی کمال فضل الهی و مبتغای عموم جود نامتاهی ایدوکی دخی بین
 و بیدار در مرد کامل و عارف صاحب دل کر کدر که بو مقوله ضروری
 الوقوع و تمتع العلاج اولان امورده نص کریم المال و البنون زینة الحیوة
 الدنیا فحوالینی تذکر و تفکر ایله دفع غائله هموم و حکم قضایه
 صورت رضا اظهار یله ظاهر او باطناتوجه قلبی حصر در کاه قیوم ایتمک
 سببیه خوان احسان و سببیزی الذین احسنوا باخسنی دن حصه دار اوله
 ذکر اولنان کلمات فقط قصد تسلیت ضمیمه ایراد اولنان قضایای کاذبه
 شعریه و دعاوی مظنوننه خطاییه دن اولیوب دلائل و براهین عقلیه
 و نقلیه ایله ثابت و محقق و نفس الامر مطابقت اقوال حقیقیه دن
 اولدیغی جناب فتوت نصاب لرینک دخی محاط علم عالی لری اولغله کلام
 حکمت انجام اخوک من و اساک فی الشدة معنالی ملاحظه برله
 انجق باعث تذکیر و سبب تکریر اولمق داعیه سی اشبور قیمة مودت و سببه
 تسطیرینه بادی اولمشدر ان شاء الله تعالی لدی شرف الوصول
 بوندن بو یله دخی جانب ثناور یلرین مبارک خاطر انور لرندن ابعاد بیور
 محبوب واردین وقوعنده اخبار ساره عافیت لری ارساله شاد و مسرور
 القواد بیورملری هر جو و مستند عادر

* ولی نعمت سبب حیاتی اولان پدری طرفه کوندر دیککی عریضه سبدر *

معروض چاکریدر که از قدیم نسلیخوان نگاره رواق اجلال لری
 اولان صعوه دل شکسته بال کمال تطف سلیمانی لرندن و تفقد الطیر

عنايتكاهنده گذاشته زبان استفقاد بيوريلور ايسد فح عميق سبأ
 حقيقتدن بو كونه ره اوردن بقاء يقين اتحاف اولنور كه بمنه سبحانه عن همت
 حضرت ولي نعمته الحاله هذه بو عندليب آتشين نوای گلشن
 ستايشارى دانه جين چنيه دان حیات اولوب شام و سحر رياض رايقة
 الحياض صدق و خلوصه نعمات دلا و زخير دعا و ترنمات شوقر يز مدح
 و ثنار يله عقد بند منظومه بلاغت و سجع آراى نثر اللآلى فصاحت
 اولمقده جد و جهد ايله مسابقت همسال و امثال ايتديكم خدایه عياندر بيت
 و تغنيك في الندى طيور * انا و حدى ما بينهن الهزلر * لكن دستان سرايان
 اساطير الاولين ده زبانه شمع اعتبارى سرو كشت آزر كشت زرداشته
 همسر و همچون نغمه اشتهارى بالاي كنگره طاق كسرى به برابر مناظر
 عاليه عالماسى مرغر از روح افزاى خطه صفايه ناظر بر قصر مشيد
 مكشوف الارجا و شرفات راسيه آفاقينى بروج حدائق غناى اقليم عنايه
 مجاور بر صرح هامانى الطرح صعب المرتقى مقامنده پيوسته عيوق مدح
 و اطراف قلعه يكلحظه كوه دهليز اشراقندن انتهاز فرصت نگاه انتراه
 ايچون اقطار ارضدن بالطول والعرض كرا كرد حر يمنه شدر كايب
 و طى سباسب اولنان بلده منسوخ الرسم مناستر حقا كه پازده سيول
 خيول اسلام اولمش كنيشت بي شماس كرىخته چائليق و بيعة كشيده
 كاييس مقلوع الغرائيق مثال دروازه رغبتى بسته قنديل فروغى شكسته
 قناع طاغوت اعتبارى شبكه عنكبوت اشتهارى سواكن بيوت ارغنون
 انتظامى ناسازناقوس احشامى بي آواز بتانى رو بزمن ريزانى ندامت رهين
 توار دعوائد و نذوردن دور ظهورات موآند و فطور دن مهجور
 بر رياضتگاه كهنه و بر پرهيز گاه بام پرهنه اولوب سواالف از مانده ساعد
 و كردن عجز زينه سوار افتراء نفع و ضرر و قلاده اسناد ايصال خير و شر
 تعليقه صورتا آرايش متكاي قبض و بسط قلنان هياكل اجا و يف
 عجيبة التماثيلي برر برر قعيده دعواى مكنت حل و عقد دن اندفاع

وصندالى پندارفتق ورتقدن انحلا عله لات و عزاسنه و منات و سواغ
 خيبتناسنه قاندر راه ضالين و بدرقه سراغ نارحيم اوله رق بالجملة محمداكش
 عدم ابادقنا و حال صفت كاشفه حاللى بين الورى ان هى الاسماء اولمغله
 فى يومنا هذا شهر مذكورك نشئه ياب عشر نخان جد و اسى اولمق قصد يله
 خجار آوده رنج مسالك تهالكى اولان ياران كاره پيمانه بي نشاطنده (ع) جك
 تمامه يروب دورى جام قالمشدر) ما لن مشاهده و كتابه كز مخورده رباطنده
 (ع) او جامدنده بو مجلسده نام قالمشدر * مقالن معاينه ايتد كده لاجرم

روم ايلي اياتى اهل بسنك اطاعتلر ينه دائر با امر على ارسالى لازم كمش
 اولديغندن موعى اليه نسب افندى مأمورا اوله رق محلته و وصولنده باب على
 آصفى به كوندردى كى عريضه سيدر (ع)

همواره توقع طراز منشور اكوان كه خامه تقدير حضرت كرم مناندر
 عنوان برات قدر و شانلر ين زر بن طغراى مجدد و شرفله غبطه فرماى
 روى بنفشه موى پرى و شان ايلك دعوائى خلالنده معروض بند كيدر كه
 فيض ر و حانيت ائمه اهل بيت ايله اتفاقا ركائب د وازد كانه به
 ركوب ايدرك طى طناب اقامت و تحريك عنان نهضتمز دوان و پويان
 همزده ساعات عرفيه بهار به قبله رق اون ايكي كونده كرسى ايلت روم
 ايلي بايكاهنه بعد الوصول فرمان متحتم الانعان جناب حكيمان
 اقطار جهاني والى مملكت افندمزه ابلاغ ايلشدر در لكن قولكزى
 شفقه و عنايه جنب حابه لرنده توقيف و موجب امر على اوزره
 بيورلدى تخرير و مباشرت سپريه احضار خانه سوزان رعاباى بي سامانه
 ايراي ز نادراى لطيف بيورد قلرنده القاب مقلوبه نامر خوبه لرى
 مضبوط جريده ادعا اولان يدى نفر سباع غابه بغى و طغيان و ضباغ
 دچار جور و عدوان كه فى الحقيقه هر پرى بهج استقامتن عدولده
 معادل عدل تر سايندر ظاهر حالده حصول نگاه امانى دو جهانبلىرى
 اولان مناستره غر يمت برله اسقاط فر يضة اطاعت امر اولى الامر

ایتمزدن مقدم ساکن اولدقلری لواقضا سیه همجو ار بعض قضا اردن
 کندولرینک براءت ذمت وحسن حاللرینی وادعای حقوق ایدن عقوق
 دیدکانتک شرت واحتیاللرینی حاوی متعدد اعلاملر اخذ و مخصوص
 آدملرینی ارسل حکمایا طریقه سیه در دولتسه بعث اینلشر مزبورلرک
 ترا کیب کلمات اعلاملری مهرا س تحکم وتغلبده دسته یارجبر وترهیب
 ایله عفاقیر نافع السم کذب ودر وغدن ساخته یا خود صلابه تبصیص
 وتکلبده زر کوبه رشوت وترغیب ایله اجزای غیر نافع الشم افک
 بیغرو غدن پرداخته رمانه قبض آشناسی لندن چقمش حقه سر بمهر
 خفاده قوام بولش معاجین مصنعه دن اولدیغی لدی مس الحاجه
 دولتلو پاشا افندم طرفندن دخی داروخانه شفای خسته دلان اولان
 عتبه دولت علیه افصاح و اعلان اولنه جق قضا یادن ایدوکی معلوم
 دولتری بیور لاق ایچون تقدیمه اجنسا رقلندی

(۱۳۱۰) سفارت سنیه مأموریتنده ایکن حسرتکشی روزوشب اندیشه سی
 وهر آن عقل وفکر نده برقرار اولان جانانک سوی دافربلرینه کوندردیکی
 اشتیاق نامه سیدر (۱۳۱۰)

غیب عرض الشکایه عن الحسرات والفراق بحرقة لا یحملها الکتب
 والاوراق من المحب المشتاق والحریق بنار الفرقه والاشتیاق
 واثر الدعاء الذی نور بنور الاخلاص وانشاء الذی لایتم بالقلم علی
 القرطاس سلام علی الذی فراقه نار من نیران الحیم ثم وصاله نور من
 انوار الرحمن الرحیم سلاما دائما بالروح والبال ثناء ثابتا فی کل الاحوال
 بعد فتح الکلام بمفاتیح النجیه والسلام ای قمر سهر لطافت وای آسمان
 ملاحظت وای مصر جمال جانفزای یوسف سیرت وای سریر سلطنت
 حسنده سلیمان سطوت اگر بو شب فرقتده ذره وار بی قدر و مور
 بی مقدار و دیوانه دوان و صحرا و کوهسارک حکایات قصه پر حصه سندن
 وشکایات سرگذشت غصه سندن بر ذره استفسار و بر شمه استخبار اولنورسد

آه کیم یار افک قنال و دل بیمار در کوزلم نمناک و سیم چاک و جسم زارده
 و بحر ای حسرتده مجنون کی یویان و کوهسارده فرهاد صفت نالان
 کوه محنتده یتردم اوزومی حیرانم وادی ظلمته دوشدم ینه سر کردانم
 حسرت زلف ور خکله نه شبم شب ونه روزم روزواهر من غم انده گرفتار
 و ذلیل و درد فراقلد و چشم علیل اقرجوی سر شکم قامت دلجوک
 اکدجه طوزقان ایله چشم چشمکی یادایتدو کم دملر همدم اشک پردم
 محرم آهنم انیسم اندوه غم طیبیم بلا و دردالم اره فرقت زکر یا کبی غمی
 دونیم و کرم محنت ایوب صفت وجودیمی عدیم ایلدی ای ینه آفتاب
 تیره بنجتم ایام وصالده هر کونمز عید وهر کیجه مز قدر سعید ایکن آه چرخ کز
 رفتار خلاف دور ایدوب * نجب تبر کز ذوق سرور ایامی * اولدین نصف
 نهاری ایریشور اخشامی * فاما الدن نه کاور هر وقتده بوییتی ورد زبان
 ایدینوب تسلیت بخش دل غم دیده مز اولوب * بویله در بویله دلا احوال
 دهر پرستم * وصلله خندان اولوب هجران ایچون چکمه الم * ینه تحمل
 ایده میوب زنجیرن سورردیوانه مثال عزم کلزارو بوستان وجو بیار ایلم
 کلستان کوزومه آتش سوزان و سنبلر عقرب و مارو چیان اولوب
 رخسار نازینکسز هر کل جانمه داغ حسرتله یاقوب صحن سینم رشک کلزار
 اولور و قد نازینکسز هر سرور تبر محنت آترو دهانکسز هر غنچه پیکانه
 ایله هزار کره باتار حکایات وشکایات زور کار بی حد لکن کمال لطف
 و کرم کزدن مسئولدر که الدنیا عمر منی انسحاب فعلیک تعمیر قلوب الاحباب
 اولوب احیانا مکتوب درر باریکرله اخبار صحتکزی اعلام ایدوب
 باری شودر دمندی نامه مزله مسرور یوره لم دیو اول زحمتی ار تکاب ایله
 اجر جزیه نائل اولمکزمأ مولدر * کهمی مکتوب بیکله بنده کی یاد ایله سلطانم *
 دل غم دیده می لطفکله آباد ایله سلطانم * وجودمدن بر ذره اثر قلوب دهانک
 حسرتیله دیار عدم سفرن ایلم مفرر درا کر بر بلبل شیدا کم اونغله کلشن

حسنة ضرر کلز و بر ذره ناپیدا کم اولغله آفتاب عالمتابه کدر کلز لکن
بنده مظلوم سلطانه حالن معلوم ایلمک قانون شاهان ورسم شهنشاهیان
اولغین خامه محنت ایله نامه فرقتک تحریر نه اقدام وکلاک المله بو طومار
حسرتک تمامه اهتمام ایلیوب کستاخانه سده سعادت پناه و آستانه آشیانه
عرض اولندی باقی امر و فرمان سلطانک در همیشه زلف شب عاشقانه
نقاب اولقدن برقرار اولدقچه سن ماه تابان اول ملاحظت نازنینان اوستوار
اولدقچه سن مهر درخشان اول و مصر حسنده یوسف وار شاه جهان
اواب زمره پری رویانه خاتم الملکه سلیمان زمان اول (بیت)

* تا کند عودت به رسالی دو عید یاد همچون سال اقبالت مزید *

(*) (*) وله

دعای که دل عشاق کی بی ریا و ثنار که الفاظ خوبان کی بر صفا
و اشتباقلر که در د هجران بار کی بی نهایت و آرزولر که شب فرقت
کی بی غایت و مودت اخلاص لر که اینده روی دلدار کی صافی
و محبت با اختصاص لر که گفتار لر شکر بار کی شافی اوله

(*) (*) وله

ترنمات دعا زده ان مغنیان بزم بقا و نقر های ثنا از زبان درویشان
غمخانه درد و بلا و سلامی از کلام بی صوت و صدای پیامی از عالم
بی چون و چرا ابلاغ و ارسال اولند قد نصرکه یوز خاک مندلنده قویوب اول
شمسی الصفات و الشان و فلکی المکان غبار پای توتیا آنارین چشم
امیده اکمال ایند کد نصرکه معروض بنده خاکستر بقدار بودر که
رأی منیر سرور کبر و خاطر مستنیر کزه ستیر دکلدنر که اشبوایام شیر یفده
بریه رجاده تاب فاقه ایله درون تاب اولان فقیران ناتوان ارباب لطفک
ابرا حسانتدن قطرات باران احسان لری ایله سیراب وریان و رشحات ریاض
سبحای جانفزاری برله آسوده روان اولغله اول حضرت واجب الوجود

منعم الکائنات من خزائن رحمته من محض الجودک کلام درر بارنده اشارت
وسید الکائنات علیه افضل التحیات و ازکی التسلیاتک الفاظ کهر نثارنده
بشارت وارده مأمولدر که بوفتاده عرصه دعا و پیاده نطع ثنا اولان
بنده ذره وار سر کشته ببقدری آفتاب انعام کز تابندن

دور و مهجور قلبیه سنز

(*) (*) سبب سالار دن بروز بر فلا طون تدبیره عریضه سیدر (*)

صاحب آصف مصاحب دستور ستوده مناقب دولتلو عنایتلو افندیمن
حضرت تلمینک و جود باهر الاجلا للربن مسند جاه و جلالده پیر ایه متکای
استقلال ایلیوب نیجه زهره شکاف شمشیر جهانگیر لری یکپاره ساز
دامن و کربان سرکشان بغی و ضلال ایلیه

* مدت دولت تو یابد چنان * * که بدر شک ماضی پیش بر حال *
مضرب خیام تمکین و جاست و منصب رایات تأیید و نصرت اولان
در وازه سایبان سدره ستون و حوالی بارگاه ملمع پرده آسمانکو نلری
ساحه سی پیشگاهی معسکر طلیعة الجیش بختیاری و وراسی و مدار
عساکیر اسلام اولان رجال الغیبک موکب کتابی اولدیغی کردار تیابندن
عاریدر دائم ک کردن فرازان میدان پیکار اولان مردان غرور زرم و غنا
آزمایه مقسم بخشایش و خلعت و جاه و ورؤس مقطوعه دشمن مخوسه
لوای منکوسلری کی سجده کاه و مالشکده جباه اولمق تمناسی ایله انا فتحنا
خوان زیر لوای دعا اولدیغیم عرض اولنوب مراعات مراسم عبودیت
ایله (ع) یوزم فرش ایلمد کد نصرکه خاک آستان اوزره) حصون قلوب
انامی زیر نکین تسخیر ایلمین بنده پرور عالیشانم دولتلو عنایتلو افندم
سلطانم حضرت تلمری لطفای کر ما طرف داعی اخلاص مراعی به دخی تعیین
کتبیه استنبا بیور بلور ایسه لله الحمد حصار چار دیوار حیا تمیز هنوز
رخنه دار ضربه خجابه ممت اولیوب برج بنده نوبت زن ناطقه نه باروی
افلاکی دعای دولت لریله پر غلغله مدد الله و اعلائی لوای اسلام ایچون

اجهاز کلبانک نصر من الله اوزره ايکن بروقت سعيدده که صبحه العید
 ارباب امیدیدی نوید فتح و تأیید تشنیف آذان مسلمین و رشاشه پاشی
 تسلیت ایله اطفاء ناره قلوب منکسرین ایلیوب دییاجده نسخه سیمقاله
 عز یمتلرنده کور دوس قحی ایله اظهار صنعت راعه استهلال
 ایلدگری بشارتی ورودی جهانی مسرور و خرابه زار قلوبی یکسره
 معمور ایلشدر (ع) هزار شکر خدا صد هزار شکر خدا) رحله سپاره
 دعای بی ریا اولان دودست کشاده اطفال ملائک خصال تقدینه قبول
 ایله مالامال اولدیغی مشهود و بونعم جلیله نک شکرانه سیله جباه
 اسلامیان رقف سجود اولمشدر (ع) جزاک الله یاذا السعی خیرا) سماح حاتم
 همتا مفضل معنی رأفتا بقضاء الله تعالی واقع اولان حریق غالب
 جعله الله آخر المصائب وقوعی ایله پوشش سمور و سنجابی لحاف دود
 و خاکستره تبدیل ایلین نیجه خانم سوزان جگر بریانک سمندر مثال آشیانلری
 آتش ولهبیب درونلری سقف افلاکه زبانه کش اولمشیکن میراب قلم
 ظفر ازلندن اساله بیوریلن زلال خیز مسرت سیر تعقیبی مفسر کریمه (ان مع
 العسر یسرا) اولوب قلوب عباد اللهدن تسکین الهاب اضطراب
 دخی خصایص علیه ذات ستوده جناب لریدر (بیت) خلیل الله در آتش
 دیدستان * من آتشیخانه دیدم در کستان) مضمونه ماصدق کلی لحاف
 و پستری خاکستر اولنلرک بری دخی بزمن عثمان زاده احمد افندی در دمند
 قوللری اولوب خانماتی سوزان و مدار تعیش اولان عقار چند کانه سی دخی
 خراب طرفان آتش جوشان اولغین (بیت) خانمات سوزی ایدوب ایرات
 سودای جنون * شمعی استعداد کسب ایتدی سلیمانیه * رتبه سی
 مشهود اولمشدر استعطاف و استرحام ایچون رخساری رکاب
 سمند دولت خراملری ارزو سبیله عازم معسکر جامع
 الظفر لری اولمشدر اولکه قاعده تسلیتکاری
 و شایسته عاطفت مراحم دتاریدر باقی فرمان
 ولطف و احسان حضرت من له
 الامر کدر

(بیت) بو آثار فرح کسبک بهاره ابردی اتمامی
 کشاد اولدقجه کورسونلر شکوفه پر الوانی

حدوثنا جناب خداوند کرم بخشایه * سزا و احرادر که یاوری تو فبیک
 نعم الرفیق * فرسان میدان بلاغت و تکه تاز مضمون فصاحت استاد بارع
 سخنوری * نقاد و قاد بلاغت پروری * بلیغ فائق دلفریب * شاعر
 ماهر سید محمد نسبک اشبود یوا نیجه فرح فرزا * و بکر فکر روح افزا سنک
 طبع و ترسیمی شو کتلوشها متلومها بتلو * السلطان ابن السلطان
 (السلطان عبدالمجید خان) حضرت لرینک عصر یمین احتوا * وزمان امان
 معارف برالزنده اطبع بند کان الطاف خداوند رب حمید محمد سعیدک
 نظارتیله بیک ایکیوز التمش برنجی سال فرخ قالی او اسطنده
 ختامه رسید و ختم طبعی
 مسکی زیب اولمشدر

م

خواجگان دیوان همایونندن و مکتوبی مالید خلفا سندن
 انور افندی نیک تاریخیدر

* حضرت شاهنشاه دوران خان عبدالمجید *
 زیر پاده برهنریو قدر که هیچ قویسون غریب
 * عصر اطفند باصلدی صورت زیاده پیک *
 * اوقوسون اربابی بودیوانی مثل عندلیب *
 * کلک انور بولدی رعنا مصرع تاریخنی *
 * پر معایندر باصلدی شمعی دیوان نسب * ۱۳۶۱

مالیه خزینتہ سندہ سرکی محاسبہ سی رفقاسندن توفیق بیک تار بخیدر

* یادشاه داد کستر حضرت عبدالمجید *

* یولمده دائم جهان تدبیری ایله بشقہ زیب *

نقدر خبت صرف ایدوب یولہ نسخر طبعنه

* ایلدی روی زمینی سر بسر هر دادیب *

* شوق براه سویلدی تار یخنی کلک توفیق *

(* طبعه انسددر حقیقت ایله دیوان نسبت) * ۱۲۶۱

مکتوبی مالیه خلغاسندن جبل افندینک تار بخیدر

* سدره درگاه شہہ انجم سیبہ عبدالمجید *

* نو بنوروی زمینہ ویردی حکمرانی زیب *

* طبعنه آثار اسلافک ایدوب صرف ہم *

* سایہ سندہ هر کشی بولدی طبعندن نصب *

* طبع دیوان نسبت اشته از جمله بری *

* بولدی کیم بن کبی ادنی قوتی بریت عجیب *

* تام اولوب مصرع ثانی مصرع اولی به دد *

* اولدی برتار یخ نزهت لفظاومعنی مصیب *

* بیک ایکبوز الشمس برده باصیلوب جمیل *

* نشر اولندی هر کسه طبع ایله دیوان نسبت * ۱۲۶۱

۴۴

Süleymanlı

۴

۱۲۶۱

۴۴

Yeni Kayıt No

Eski Kayıt No

2706